

کارکردهای اجتماعی ختنه پسران/مردان در جهان و ایران کنکاشی جامعه شناختی پیرامون ختنه از منظر فرهنگی و دینی

کامیل احمدی^۱

پژوهشگر و مردم شناس، تخصص روش تحقیق و کارشناسی ارشد مردم شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت- انگلستان

چکیده

محققان خاستگاه جغرافیایی ختنه را اطراف رود نیل در مصر باستان و زمان آن را بیش از دو هزار سال قبل می‌دانند. علاوه بر باورهای مذهبی که به عنوان عامل اصلی، نقشی اساسی در رواج عمل ختنه دارد، نباید ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه و روابط بین‌المللی را در تثبیت و گسترش این موضوع نادیده گرفت. در متون، اسناد و آثار باستانی ایران نشانه‌ای مبنی بر اینکه زنان و مردان ختنه شده باشند؛ وجود ندارد. لذا از شواهد موجود چنین پیداست که پیش از ظهور اسلام، ختنه در ایران انجام نمی‌شده است و این سنت با ورود اسلام به ایران رواج پیدا کرده است. در جوامع سنتی انجام عمل در عضو خصوصی بدن کودک همراه با آیینی خاص برای ورود به مرحله بزرگسالی انجام می‌شود ولی در جامعه معاصر هر فرد زیر 18 سال کودک محسوب می‌شود و هرگونه تغییر در اندام او بدون دخالت و اجازه خود کودک نه تنها تجاوز به حقوق کودک است بلکه ماهیت ضد آموزشی نیز دارد. ختنه پسران به عنوان مسئله‌ای مربوط به کودکان و حقوق کودک در ارتباط مستقیم با فرهنگ و سنت‌های آسیب‌زای اجتماعی هست که به دلایل مختلف مذهبی و فرهنگی کمتر در شمار آسیب‌ها محسوب شده از این روی مورد کم توجهی حوزه‌های علمی و پژوهشی قرار گرفته است. این مقاله با رویکرد اصلاحی و آگاهی بخشی سعی در واکاوی و شناخت بسترهای تاریخی، سنتی، دینی و بهداشتی ختنه پسران/مردان داشت تا با نشان دادن ابعاد متعدد این پدیده با تمرکز بر حقوق کودک، روشننگری کرده و نسل اکنون و آتی را از پیامدهای این عمل آگاه سازد تا سرمایه‌های انسانی و آینده سازان جامعه براحتی در دام پیچ و خم سنت‌های کور فرهنگی و تبلیغات کاذب مافیای اقتصادی و هژمونی مذهب گرفتار نگردند. برای این منظور جدای از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای

¹ <http://kameelahmady.com> & Kameel.ahmady@gmail.com محقق و مردم شناس :

و بهره گیری از پژوهش میدانی با رویکرد کیفی به ارزیابی تجربیات مشارکت کنندگان بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مصاحبه با برخی متخصصین و صاحب نظران علمی پرداخته شد^۲. حاصل سخن این که در دو دین اسلام و یهودیت ختنه جایگاهی تکلیفی و شرعی در بین پیروان خود پیدا کرده است. از نظر تاریخی نیز، ختنه مردان با اعمال مذهبی و هویت قومی مرتبط بوده است. فارغ از فشارهای دینی مترتب بر انجام عمل ختنه دلایل دیگری نیز به استمرار حیات این عمل دامن می زند از جمله: کارکردهای بهداشتی و پزشکی و زیبایی شناسی، کارکردهای اجتماعی و کارکردهای اقتصادی.

کلید واژگان: ختنه پسران/مردان، کارکرد اجتماعی، فرهنگ و مذهب، رویکرد جامعه شناختی، ایران و جهان.

1-مقدمه

در افواه عمومی ختنه پسران عملی دینی تلقی می شود که ریشه در باورهای دو دین سامی یعنی یهودیت و اسلام دارد اما پاره ای توجیهات بهداشتی باعث شده تا دامنه شمول آن مرزهای دینی را پشت سر گذاشته و برخی جوامع سکولار را نیز در بر گیرد. برخی آمارها نشان می دهند که در حدود 90 کشور دنیا عمل ختنه روی حداقل 30 درصد پسران انجام می شود (موریس و همکاران، 2016) که بسیاری از آنها مسلمان یا یهودی هم به شمار نمی روند. این آمارها اگرچه نشان دهنده اهمیت این عمل در جوامع مختلف هست ولی به معنای درستی یا مفید بودن آن نمی باشد. ختنه پسران علی رغم شیوع گسترده، دارای تبعات بسیاری نیز هست که از آن میان می توان به نادیده گرفتن حقوق کودکان، اثرات سوء روانی و پاره ای تبعات پزشکی این عمل اشاره کرد.

هدف اصلی این مقاله شناخت علمی مسئله ختنه پسران و کمک به تدوین برنامه ها و سیاست های موثر برای کاهش و رفع پیامدهای منفی آن در جامعه است. برای این منظور کارکردهای فرهنگی و دینی پدیده ختنه پسران در جهان و ایران از منظر جامعه شناختی واکاوی می شود تا با شناخت ریشه های تاریخی و گستره جغرافیایی آن، رویکردهای ادیان و کارکردها و دلایل استمرار ختنه و گزارش تجربیات مشارکت کنندگان گامی در راستای تقلیل پیامدهای این عمل به سود حقوق کودکان و حقوق مدنی و فردی سرمایه های انسانی جامعه برداشته باشد.

² احمدی، کامیل و همکاران (۲۰۲۲). تیغ سنت به نام مذهب. کنکاشی پدیدارشناختی در باره ختنه پسران / مردان در ایران. دانمارک: نشر

2- طرح مساله

مسائل مربوط به کودکان و مخاطراتی که آنها را تهدید می‌کند از اهم مسایل پژوهشی جامعه شناسان، مردم شناسان، روانشناسان و حقوق دانان در جوامع پیشرفته است. کودکان سرمایه های اجتماعی هستند که حال و آینده جوامع بشری در گرو زیست سالم، بهنجار و عادلانه آنهاست و از آنجا که بخش قابل توجهی از جمعیت جهان از جمله ایران را کودکان تشکیل می دهند تمرکز بر بهزیستی و رفع مشکلات و مسایل آنها از نشانه های توسعه اجتماعی و رشد فرهنگی، مدنی و حقوقی محسوب می شود. متأسفانه با کنکاش در اسناد تاریخی شواهدی بدست آمده که موید برخی سنتهای آسیب زا علیه کودکان است، سنتهایی که مروج خشونت، شکنجه و آزار جسمی و روانی این گروه های سنی بوده و در تعارض با روح آزاد بشری و نقض حقوق کودک و تمامیت وجودی انسان ها هست. ختنه و انجام این عمل در دوران حساس کودکی در زمره یکی از این سنتهاست. کودک به عنوان فردی که قدرت و اراده ای برای تصمیم گیری و مقاومت در مقابل اعمال بزرگترها را ندارد؛ در مواجهه با رفتارهایی از این دست شکننده بوده و اثرات چنین مداخلاتی برای همیشه در ذهن و روانش باقی می ماند و زمینه ساز بحرانهای متعدد در فرایند اجتماعی شدنش می شود و او را در مقابل مخاطرات و آسیبهای متعدد منفعل و شکننده می سازد.

پدیده ختنه به عنوان یک عمل نمادین و کهن از باورهای آدمیان در زندگی زیسته شان نشأت گرفته و راوی بخشی از فرهنگ و تاریخ مردمانی است که پیش ترها بر این کره خاکی می زیستند. از مشاهدات و اسناد تاریخی چنین برمی آید که اگرچه عمل ختنه در مصر باستان و بین النهرین ریشه دارد اما در طول تاریخ، محدود به منزلگاه خود نبوده و به دیگر نقاط جهان و خاورمیانه نیز گسترش پیدا کرده است. پیامدهای پنهان ختنه مساله ای است که با وجود اهمیت بسیار، کمتر مورد توجه قرار گرفته است از این روی، واکاوی پیرامون این پدیده درک درست تری از فشار آداب، اهمیت رسوم، نقش فرهنگ و موازین مذهبی را ارائه می دهد و نتایج آن می تواند صدای بی واسطه گروه هدف، موافقان و مخالفان این پدیده های اجتماعی باشد. مقاله برآن نیست که عمل ختنه را رد یا تایید کند، بلکه در صدد است که در کنار بررسی جامعه شناختی مقوله ای که تابو بوده و کمتر مورد توجه قرار گرفته راهکارهای اجرایی ارائه دهد که در وفاق با حقوق کودکان بوده و منطبق بر وضعیت حال جامعه و قابل اجرا با تاکید بر بسترسازی فرهنگی باشد. لذا در نظر دارد با بنیانی جامعه شناختی بر کارکردهای متعدد دینی و فرهنگی پدیده ختنه در طول تاریخ ایران و جهان متمرکز شود تا از این رهگذر با نشان دادن پیامدهای متعدد آن، بستر اطلاع رسانی، آگاهی و روشننگری را در سطوح خرد و کلان فراهم سازد. پرسش اساسی این است که: عمل ختنه پسران چه کارکردهایی در پی دارد؟ پاسخ به این پرسش و شاخه های آن از طریق روش کیفی و مطالعه

میدانی با بهره گیری از مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و خارج از کشور و نیز مشاوره و مصاحبه با برخی کارشناسان و صاحب نظران علمی و همچنین با مراجعه به اسناد و منابع کتابخانه ای انجام می گیرد.

آمارهای جهانی حاکی از آن است که حدود 90 کشور دنیا عمل ختنه را روی حداقل 30 درصد پسران انجام می دهند. در ایران التزام به انجام دستورات دینی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نخستین و مهم ترین انگیزه و دلیل استمرار عمل ختنه بوده است. با توجه به ورود دین اسلام به ایران و سرعت گسترش آن، درهم تنیدگی جامعه ایرانی با اصول و باورهای اسلامی بطور چشمگیری سرعت گرفت. از همین روی آشنایی با این پدیده و بایدها و نبایدهای آن در ادیان درک برخی از رخدادهای تاریخی را تسهیل می کند.

3- پرسش های پژوهش

در مسیر تحقیق، پرسش های زیر واکاوی می شوند:

1. ریشه های اجتماعی- فرهنگی و تاریخی ختنه پسران/مردان در ایران و جهان چیست؟
2. ریشه های دینی ختنه پسران/مردان در ایران و جهان کدامند؟
3. تجربیات عینی مشارکت کنندگان در این پژوهش حاوی چه ابعادی است؟
4. در راستای تقلیل پیامدهای فردی و اجتماعی ختنه پسران/مردان چه راهکارهای عملی می توان ارائه داد؟

4- ریشه های اجتماعی- فرهنگی و تاریخی ختنه پسران در جهان و ایران

حدود پانزده هزار سال از قدمت ختنه می گذرد. این عمل یکی از قدیمی ترین اعمال جراحی است که روی کودکان انجام می شده است. کاوشگران این عمل را در اجساد مومیائی شده متعلق به مصریان باستان به اثبات رسانده اند. در کتب مذهبی پیروان ادیان اسلام و یهود اشارات و توصیه هایی به این امر شده است. همچنین این عمل از سالیان دور در میان عده ای از سیاهان آفریقا و اقوام استرالیائی و بعضی اقوام دیگر (بدون وابستگی مذهبی) رایج بوده است و تاکنون نیز در بخش های مختلفی از جهان استمرار یافته است.

معادل انگلیسی عمل ختنه «Circumcision»، برگرفته از کلمه لاتین «Circumcidere» به معنای بریدن اطراف چیزی است. از نظر معنایی ختنه واژه ای عربی است و بر بریدن پوست یا غلاف آلت تناسلی زن یا مرد اطلاق می شود. ختنه واژه ای عربی از ریشه «خ-ت-ن» و به معنای بریدن و قطع کردن است اما می تواند با «ختم»

نیز مرتبط باشد چرا که تبدیل حرف «م» به حرف «ن» در زبان‌های سامی، که زبان عربی نیز یکی از زیرشاخه‌های آن است، متداول بوده است. ختم به معنای گذاشتن علامت شناساننده بر عبد آبق (برده گریزنده) است. «ابن قیّم جوزیه» در «تحفة المودود بأحكام المولود» با اشاره به این نکته، «ختان» شدن را نشانی از بندگی و رقیت مرد در برابر خداوند ذکر کرده است (سعیدی، 1390: 70). در فرهنگ‌های معین و عمید نیز یکی از معانی واژه «ختم» مهر کردن است و «ختنه» ریشه در «ختن» دارد و به معنی قطع کردن یا بریدن غُلفه/ قلفه/ غرله (پوست پوشاننده ابتدای قضیب) است از این رو مرد نامختون (ختنه نشده) را أَغْلَف (پوشیده)/ أَقْلَف/ أَغْرَل/ أَرْغَل می‌خوانند. بر اساس لغت نامه دهخدا نیز مردی یا زنی که آلت تناسلی او ختنه نشده باشد اصطلاحاً در عوام نامختون گفته می‌شود. مفهوم دقیق ختنه مردان بر پایه متون حدیثی و فقهی، عبارت است از برداشتن تمام یا بخشی از پوستی که حشفه را می‌پوشاند، و ختنه زنان بریدن بخشی از پوست آلت تناسلی در بالای محل خروج ادرار است. (جاحظ، بی تا؛ مجلسی، 1362)

«خَتَنَه» از ریشه «خَتَن»، در زبان عربی معانی دیگری نیز دارد از جمله افرادی که از طرف زن، با شوهر نسبت سببی دارند، مانند: مادر زن، پدر زن، برادر زن، شوهر دختر و شوهر خواهر^۳. همچنین در اصطلاح عامه «ختنه» برای هر دو جنس زن و مرد اطلاق می‌شود اما در زبان عربی بریدن و قطع کردن تمام یا بخشی از آلت تناسلی مرد را ختنه و بریدن تمام یا بخشی از کلیتوریس زن را «خَفْض» نامیده‌اند. خَفْض به معنای کم کردن و کاستن است. «خِتَانَةُ» به معنای خاتن، کسی است که کار ختنه را انجام می‌دهد. «ختان»، ختنه‌گاه مرد و زن است و «خُتُونَه» به معنای ازدواج است. فارسی‌زبانان و ترک‌ها نیز «خاتون»^۴ را برای زنان شریف و نجیب به کار می‌برند (پارسا و یوسف پناه، 1391: 43). گاه از واژه «سنت» یا کلماتی مثل «طهور» که ریشه در «ط-ه-ر» دارند، نیز به جای کلمه ختنه یا ختان استفاده می‌شود تا جایی که یکی از معانی ختنه «طهارت» دانسته شده است. «ختنه» در دین اسلام و برخی نصوص دینی نیز به امری فطری اطلاق شده که دلالت بر رعایت بهداشت دارد. برای مثال ابوهریره به نقل از پیامبر اسلام آورده است:

«پنج رفتار جزو فطرت هستند: ختنه کردن، تراشیدن موی زیر ناف، کوتاه کردن ناخن‌ها، کندن موی زیر بغل و کوتاه نمودن سبیل» (القشیری نیشابوری، 1412).

در تورات نیز ختنه‌نشدگان به‌عنوان افرادی که از نظر شرعی پاکیزه نیستند، شناخته می‌شوند.

کنکاش برای یافتن منزلگاه ختنه در جهان چه از برای زنان و چه از برای مردان ما را به حوالی مصر باستان سوق می‌دهد اما در طول تاریخ، محدود به منزلگاه خود نبوده و در دیگر نقاط جهان و خاورمیانه نیز مشاهده شده است.

^۳ مثلاً گفته‌اند: «عَلَى خَتْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (حضرت علی شوهر دختر-داماد- پیامبر بوده است) یا می‌گویند: «أَبُوبَكْرٍ وَعُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا خَتْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما، پدر زن رسول الله (ص) بودند). کاربرد واژه خاتون برای زن، بازمانده دوران پدرسالاری و انقیاد زنان زیر سلطه ساختارهای مردانه است.^۴

محققان عموماً خاستگاه جغرافیایی ختنه زنان را در اطراف رود نیل در مصر باستان و زمان آن را بیش از دو هزار سال قبل می‌دانند. گمان بر این است که این رسم از کانون نامبرده به نواحی اطراف راه یافته است. مورخان مدعی‌اند که ختنه دختران در روزگار فراعنه انجام می‌شده و بدین اعتبار ریشه‌های آن را باید در قرن پنجم پیش از میلاد در مصر جست. شواهدی گواه بر تولد رسم ختنان برای مردان نیز در این منطقه مشاهده شده است که با کشف مومیایی‌ها و بعضی نقش‌ها بر دیوار مقابر تایید شده و نشان می‌دهد ختنه مردان و زنان قبل از ظهور موسی در نیمه هزاره سوم پیش از میلاد رواج داشته است، چنان‌که این عمل را «طهارت فرعونی» نیز نامیده‌اند (فروید، 1348). تا آنجا که می‌دانیم هیچ‌یک از اقوام دیگر مدیترانه شرقی بر این رسم نبوده‌اند. هرودت در حدود 450 سال قبل از میلاد مسیح از مصر دیدن کرد و در گزارش سفر خود موضوعی را که برای نشان دادن ممیزات ملت مصر مناسب است و با پاره‌ای از ویژگی‌های یهودی‌گری دوره‌های بعد، شباهت‌هایی دارد، منعکس می‌کند. وی می‌گوید:

«آن‌ها از هر لحاظ از سایرین پرهیزکارترند و به علت پاره‌ای عادات از آنان ممتازند. چنانکه آن‌ها ختنه می‌کنند و به خاطر پاکیزگی نخستین کسانی بوده‌اند که آن را متداول ساخته‌اند. دیگر اینکه از خوک متفرند» (فروید، 1348).

نقل است که کلمان اسکندرانی چنین روایت کرده است که:

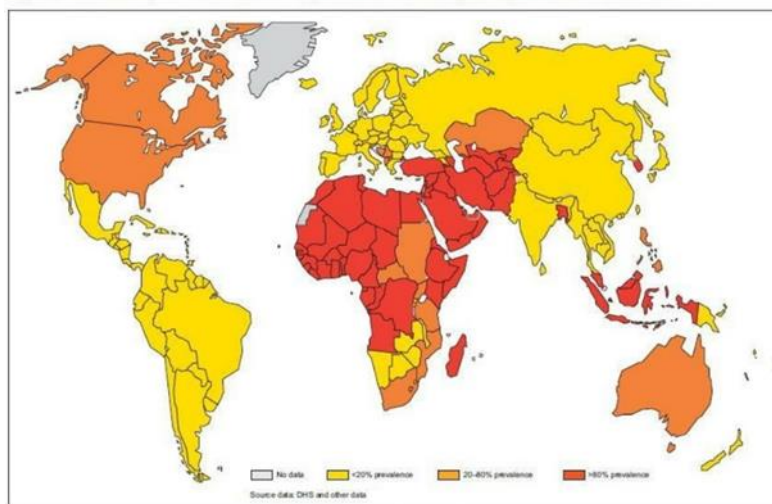
«فیثاغورس که به مصر رفته بود ناگزیر ختنه کرده بود تا بتواند اسرار دینی را از گهنة فراگیرد و کسی در آن زمان کاهن می‌شد که مختون باشد». (دانش پژوه، 1325).

یکی از فرضیه‌های مطرح شده درباره چگونگی گسترش عمل ختنه و اشاعه آن در دیگر نقاط جغرافیایی را می‌توان از خلال نبردها و کشورگشایی تمدن‌های کهن و تلاش برای اشاعه فرهنگ غالب و در برخی دیگر تأثیراتی که جامعه مغلوب بر پیروزمندان جنگ می‌گذاشته است؛ جستجو کرد. مصر نیز به‌عنوان محل تلاقی سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا همواره مورد نزاع کشورگشایان بزرگ بوده است. نقل است در سال 525 قبل از میلاد، کمبوجیه پسر کوروش، با لشکرکشی به «مفیس» پایتخت مصر، این کشور را به قلمرو هخامنشی ضمیمه کرد، سپس بر آن شد تا بین مصر و ایران اتحاد برقرار کند از همین رو طبق سنن و مراسم این کشور تاج‌گذاری کرد. پس از کمبوجیه جانشین او داریوش اول و سپس خشایارشا برنامه گسترش دولت هخامنشی را ادامه دادند و داریوش به تأسی از کوروش، مصریان را در زندگی خصوصی و مذهبی آزاد گذارد. تسلط ایرانیان بر مصر به مدت 203 سال ادامه داشت و مدارک و کاوش‌های باستان‌شناسی، حکایت از هم‌نشینی مسالمت‌آمیز و مراودات انسانی دو تمدن ایران و مصر در عصر هخامنشی دارد که اگر جز این بود حکومت آنان تا این اندازه دوام نمی‌یافت. دو کشور ایران و مصر طی ارتباط قریب به دو قرن خود نه تنها مشترکات فرهنگی گسترده‌ای یافته و زبان مشترکی بین تمدن‌های ایران و مصر ایجاد شد بلکه علم طب را که در مصر باستان بسیار پیشرفت کرده بود، از مصریان فراگرفتند (نصیری، 1385). به حکم ظاهر و روایات تاریخ، قدیمی‌ترین سند پزشکی، مربوط به کتیبه‌ای است که بر روی خشت و به خط میخی، حک شده و از دره‌های بین‌النهرین به دست آمده است و به نظر باستان‌شناسان قدمت آن به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد (اصلانی، 1397).

جغرافیای انتشار و باورمندی به عمل ختنه در بین اقوام و ادیان رایج، حکایت از آن دارد که ختنه عملی عمدتاً دینی است. بر اساس آمار منتشر شده از سوی مراجعی چون سازمان بهداشت جهانی و دفتر مبارزه با ایدز سازمان ملل متحد (2008) فقط حدود 30 درصد کل ختنه ها در دنیا غیر دینی بوده است. این آمار همچنین نشان می دهد که قریب به 70 درصد کل ختنه های انجام شده در دنیا در بین پیروان اسلام و یهودیت اتفاق افتاده است. ختنه مردان در ادیان غیر ابراهیمی عملی ناشناخته و در برخی موارد هم خلاف اصول آنهاست. مثلاً در کتب مقدس هندو هیچ اشاره ای به ختنه نشده است و به نظر می رسد که هندو و بودیسم هر دو موضعی بی طرف در مورد ختنه دارند. آیین هندو با ختنه ای که فاقد توجیه طبی باشد؛ مخالف است، زیرا بر اساس آموزه های این دین، بدن ساخته خدای متعال است و هیچ کس حق ندارد آن را بدون اجازه کسی که این بدن به وی بخشیده شده است تغییر دهد. برخی از گوروهای هندو آن را مستقیماً خلاف طبیعت و خلقت خدا می دانند. سیک ها نیز نوزادان خود را ختنه نمی کنند زیرا آیین سیک انجام ختنه زن و مرد را الزامی نمی داند و این عمل را مورد انتقاد قرار می دهد.⁵

تصویر(1) در کشورهایی که با رنگ قرمز متمایز شده اند، ختنه پسران رواج بیشتری دارد⁶

Figure 4. Global map of male circumcision prevalence at country level, as of December 2006



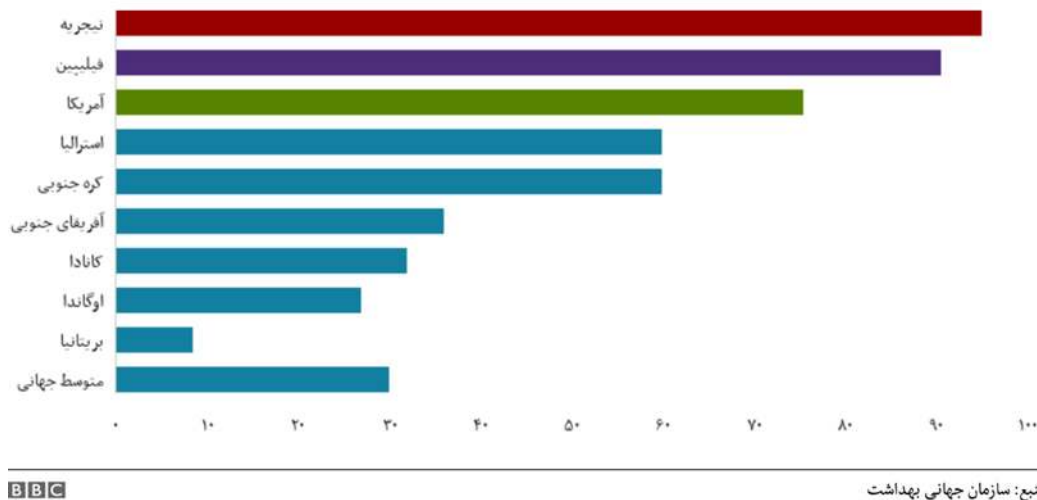
Note: National prevalence of male circumcision was estimated using Demographic and Health Survey data where available. For other countries, estimates were made from other published sources. Countries with no published data on male circumcision prevalence are labelled "no data".

The boundaries and names shown and the designations used on this map do not imply the expression of any opinion whatsoever on the part of the World Health Organization concerning the legal status of any country, territory, city or area or of its authorities, or concerning the delimitation of its frontiers or boundaries. Dotted lines on maps represent approximate border lines for which there may not yet be full agreement.

نمودار(1) ختنه در جهان به روایت سازمان بهداشت جهانی

⁵ - با وجود اینکه از نظر بسیاری از معتقدان به آیین هندو ختنه عملی در تعارض با هویت پیروان این آیین است اما برخی با توجه به توجیهات پزشکی همچون کاهش خطر ابتلا به بسیاری از عفونت های قارچی و باکتریایی مبادرت به انجام آن می کنند. همچنین گفته می شود که خطر سرطان دهانه رحم در شرکای مردان ختنه شده کمتر است. سیاستگذاران شورای تحقیقات پزشکی هند و موسسه ملی تحقیقات ایدز در هند توصیه کرده اند که ختنه مردان باید به عنوان بخشی از یک بسته جامع پیشگیری از HIV ارائه شود که اجزای آن عبارتند از؛ کاندوم، کاهش تعداد شرکای جنسی، تأخیر در شروع رابطه جنسی، مدیریت بیماری های مقاربتی و آزمایش HIV و مشاوره.

ختنه در جهان



مسیحیت نیز رویکردی ناموافق با ختنه دارد. برای مثال، بر اساس نظر سنت پولس «در دین مسیح ختنه شدن و ختنه نشدن هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند» (غلاطیان 5: 6). در فرمانی که در سال 1442 توسط پاپ در کلیسای کاتولیک روم صادر شد آمده است که ختنه مرد غیر ضروری است، بنابراین اکیداً به همه معتقدان به مسیحیت دستور می‌دهد که «ختنه را چه قبل از غسل تعمید یا بعد از آن انجام ندهند» (پاپ یوگنیوس چهارم، 1442). از میان فرقه‌های مختلف مسیحی تنها مسیحیان قبطی در مصر و مسیحیان ارتدوکس اتیوپی که دو شاخه از قدیمی‌ترین شکل‌های بازمانده از مسیحیت هستند (تیرنی، 2003) و بسیاری از ویژگی‌های مسیحیت اولیه را حفظ کرده‌اند، همچنان پایبند به انجام عمل ختنه هستند (پیمایش‌های جمعیتی و بهداشتی، 2006). برخی از کلیساهای مسیحی در آفریقای جنوبی با این عمل مخالف هستند و آن را یک آیین بت پرستانه می‌دانند (رین تلجارد آر سی، 2003)، در حالی که برخی دیگر، از جمله کلیسای نومیا در کنیا، شرط عضویت در کلیسا را انجام عمل ختنه می‌دانند (ماتسون سی ال و همکاران، 2005). شرکت کنندگان در بحث‌های گروهی متمرکز در مالاوی و زامبیا نیز اعتقادات مشابهی را ذکر کردند که مسیحیان باید ختنه کنند، زیرا عیسی ختنه شده است و کتاب مقدس این عمل را آموزش می‌دهد (لوکوبو ام، 2007؛ ان گالاند آر سی و همکاران، 2007).

در متون، اسناد و آثار باستانی ایران نشانه‌ای مبنی بر اینکه زنان و مردان ختنه شده باشند وجود ندارد. در اوستا و دیگر متون پهلوی ایران دوران باستان نیز اشاره‌ای به ختنه یا هرگونه عمل دیگری همچون ناقص‌سازی یا بریدن آلت جنسی نشده است. بنابراین از شواهد موجود چنین پیداست که پیش از ظهور اسلام، ختنه در ایران انجام نمی‌شده است و سنت ختنه زنان و ختنه مردان با ورود اسلام به ایران رواج پیدا کرد. حتی در برخی منابع تاریخی چنین آمده که در اوایل ورود دین اسلام به ایران برخی ایرانی‌ها که اسلام آورده بودند، ختنه نمی‌کردند. برای نمونه افشین، سردار ایرانی در دربار مأمون و المعتصم ختنه نشده بود. أحمد بن ابی دؤاد نقل کرده که افشین به‌خاطر نگرانی از اثرات منفی ختنه بر سلامتی‌اش، خود را ختنه نمی‌کرد (توحیدی، 1964).

بر اساس نتایج به دست آمده از بسیاری از پژوهش ها به جز دو استثنای عمده، یعنی اسلام و یهودیت، دین عامل اصلی تعیین کننده ختنه مردان نیست و به نظر می رسد بسیاری از ادیان، از جمله هندوئیسم و بودیسم، موضعی بی طرف و یا مخالف نسبت به آن دارند، با این حال باید توجه داشت که نزدیک به صد درصد مردان مسلمان و یهودی خود را متعهد به انجام این عمل می دانند و حدود 70 درصد کل مردان ختنه شده در دنیا متعلق به جامعه مسلمانان هستند و فقط 30 درصد ختنه شدگان غیر مسلمان یا غیر یهودی هستند.

یهودیان موافق ختنه بر این باورند که هیچ جایگزینی برای این عمل وجود نداشته و ختنه یک عمل فرهنگی- مذهبی واجب در دین آنان به شمار می رود. دلایل بسیاری برای استمرار این عمل کهن وجود دارد که از اهم آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ✓ یک نشانه مهم فیزیکی از عهد مردان با خداوند است.
- ✓ پیمان گوشت به مانند پیمان قلب می ماند. ختنه گاه به مانند قسمت غیرضروری یک میوه می ماند مثل چوب متصل به یک سیب که در برهه ای از زمان مهم بوده است ولی در نهایت جزیی از آن میوه نیست.
- ✓ خداوند مالک بدن است و او نیز فرمان بر ختنه داده است.
- ✓ یک نوع وفاداری عمیق نسب به اجداد فرد به شمار می رود.
- ✓ اقدامی تاریخی است که مردان مختون را به اجداد و همسن و سالان خود پیوند می دهد.
- ✓ یک نشان فرهنگی و فیزیکی است که نمادین به شمار می رود.
- ✓ پدیدآورنده حس تعلق است 7.

علاوه بر موارد فوق الذکر در حمایت از ختنه، باید این مهم را نیز خاطرنشان کرد که یهودیان در اجرای امور خود بسیار سختگیر هستند و شاید همین امر سبب شده باشد به مخالفت با اصلاحگران یهود برخیزند. علی الخصوص که در امر ختنه نیاز هست که ختنه کننده یهودی باشد و بر اساس برخی از تحقیقات در اسرائیل ختنه سنتی شغل اصلی موهل های ۸ یهودی به شمار می رود (یگان، 2006: 442). امری که بی شک با غیرضروری و واجب ندانستن آن ممکن است شرایط اقتصادی آنان را متاثر ساخته و تحت فشار قرار دهد.

منتقدین ختنه نیز معتقدند که بر اساس نص صریح تورات تغییر و یا دست بردن در بدن آدمی منع شده است و از همین رو باید به ختنه به دیده تردید نگریسته شود. بر همین اساس این مدعا از آنجایی که ختنه شامل بریدن و علامت گذاری اندام تناسلی است در تقابل با این عمل تاریخی است و در حلقه ارزش ها و قوانین یهودی نیست.

⁷ مراسم ختنه، موجود در: تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۳/۳۰

<https://www.bbc.co.uk/religion/religions/judaism/jewish>

⁸ موهل ها افرادی هستند که توسط یهودیان برای انجام این کار آموزش داده می شوند و گاهی در همین مشاغل مرتبط با مراسم مذهبی فعالیت می کنند.

در میان ادیان ابراهیمی، مسیحیان از معدود گروه‌هایی هستند که عمل ختنه میان آن‌ها چندان رواجی نیافته است و در بررسی همان تعداد مسیحیانی نیز که بر ختنه وفادار مانده‌اند، باید یک نکته را مورد توجه قرار داد و آن نیت آنان از انجام چنین عملی است که اغلب نه به دلیل باورهای دینی بلکه با اهداف بهداشتی عمل ختنه را انجام می‌دهند.

طبق باور مسیحیان کتاب «عهد جدید» پیمانی میان آفریدگار و بشر و آغازگر دوران جدیدی از ارتباط میان خالق و مخلوق است. طبق این پیمان، خداوند شریعتی را که از طریق موسی به آدمی عطا کرده بود از دوش او برداشت و ایمان به مسیح را شرط بخشایش گناهان انسان و رستگاری او قرار داد. برای اشاعه عهد جدید پروردگار با بندگان، نیاز به تبلیغ دین و گرویدن یهودیان و غیر یهودیان به دین مسیحیت بود. با پیوستن افراد جدید میان پیروان دین یهود که به مسیحیت گرویده و مختون بودند و دیگر پیروان جدید مسیحیت که غیر یهودی و نامختون بودند اختلافی درگرفت مبنی بر اینکه ختنه شدن شرط مسیحیت است یا خیر؟ بنابر آنچه در انجیل نویافته توما آمده، مسیح در پاسخ به شاگردانی که از فایده ختان جويا شدند، گفته است، ختان حقیقی که در آن همه فایده‌ای است، ختان روح است. اغلب الهی‌دانان مسیحی نیز تفسیری رمزی از ختان به دست داده‌اند. ژوستی نیوس شهید⁹ بر آن است که مسیح آورنده عهدی جدید است و متناسب با این عهد جدید، ختان جدیدی نیز باید آورد که همان ختان قلبی است، آن گونه که در تورات، تثنیه 10:16 نیز به ختان قلب امر شده است.

هم‌اکنون در صد قابل توجهی از مردان ختنه شده در جهان، علاوه بر پیروان دیگر ادیانی همچون یهودیت، مسلمانان هستند به طوری که آمار نشان داده در کشورهای مثل ایران که دین رسمی، اسلام است بیش از 99 درصد مردان ختنه شده‌اند (موریس و همکاران، 2016)

فراوانی جمعیت پیروان دین اسلام در جهان از یک سو و تمرکز بخش عمده داده‌های این پژوهش به مبحث ختنه در کشور ایران، از سوی دیگر باعث شده این موضوع در دین اسلام با تشریح و جزییات بیشتری نسبت به دیگر ادیان مورد بررسی قرار بگیرد به خصوص اینکه در قرآن، کتاب مقدس مسلمانان هیچ اشاره مستقیمی به ختنه نشده اما با وجود ابهاماتی پیرامون ختنه در دین اسلام به سبب عدم وجود دستور مستقیم قرآن، مسلمانان همچنان با جدیت به انجام عمل ختنه مبادرت می‌ورزند و سهم ختنه در میان آن‌ها در صدر قرار دارد، چنانچه برطبق برآوردها نزدیک به 69 درصد مردان ختنه شده در جهان، مسلمان هستند (موریس و همکاران، 2016).

از بررسی احادیث و روایات موجود و نیز استفتائاتی که از مراجع شده چنین برمی‌آید که پیروان شیعه و سنی دین اسلام با استناد به دو آیه 123 سوره نحل و آیه 161 سوره انعام، پیروی از سنت‌های ابراهیم را که ختنه نیز یکی از آن‌هاست، واجب می‌دانند اما چنین به نظر می‌رسد که دستورات دینی اسلام درباره ختنه به نقل از احادیث و

⁹ Justin Martyr

احکام فقهی شکل گرفته‌اند که آن‌ها نیز ریشه در سبک زندگی و سنت‌های رایج یهودیان مدینه در زمان پیامبر اسلام دارد. برای فهم بیشتر این موضوع باید موقعیت مکانی و زمانی پیامبر را در صدر اسلام واکاوی کرد؛ شرایطی که وضع قوانین دینی با عطف به آن نضج می‌گیرد. قوانین اسلامی در آن زمان متشکل از دو نوع «تاسیسی-انشایی» و «امضایی-تاییدی» بودند. قوانین تاسیسی، قوانینی هستند که پیامبر اسلام بر اساس آیات احکامی قرآن آن‌ها را تاسیس کرده و لازم‌الاجرا هستند. اما در مقابل آن قوانین امضایی قرار دارند که پیش از پیامبر نیز وجود داشته‌اند و او پس از انجام اصلاحات، تغییرات و تحولاتی، آن‌ها را تأیید کرده است. تقریباً تمام احکام شرعی اسلام حتی نماز و روزه و حج و بسیاری از قوانین کیفری مربوط به زنان در سنت پیش از اسلام و اعراب حجاز وجود داشته است. اسلام در این موارد تغییرات و تحولاتی ایجاد کرد، بعضی‌ها را رد کرد و بعضی دیگر را کامل و یا با اصلاحیه‌ها و تبصره‌هایی تأیید کرد. (یوسفی اشکوری، 1397) و ختنه نیز در ردیف قوانین امضایی اسلام است.

5-1- عمل ختنه در تاریخ و فرهنگ ایران

علاوه بر باورهای دینی اسلامی که به‌عنوان عامل اصلی، نقشی اساسی در رواج عمل ختنه در ایران دارد، نباید ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه و روابط بین‌المللی را در این موضوع نادیده گرفت. ایران در منطقه خاورمیانه قرار دارد و در تمام طول تاریخ همواره با مصر که منزلگاه اصلی ختنه بوده، روابط دیرینه داشته است. بنابراین این سه عامل یعنی منطقه جغرافیایی، ارتباط با مصر و دین اسلام باعث شده عمل ختنه در ادوار مختلف تاریخ ایران رواج داشته باشد به طوری که به گواه آخرین تخمین‌های موجود (موریس و همکاران، 2016) 99.7 درصد مردان ایرانی ختنه شده‌اند. علاوه بر این بحث ختنه در ایران در کلیت خود در کنار ختنه دختران و زنان مطرح بوده و درک آن بدون توجه به مسئله ختنه زنان بسیار دشوار خواهد بود.

با کنکاشی در کتب تاریخی می‌توان به اهمیت ختنه مردان در فرهنگ ایرانیان پی برد، جایی که مختونگی به‌عنوان عاملی مهم در بدل گشتن به یک مرد مسلمان کامل مطرح می‌شود. از همین جهت اهمیت ختنه مرد مسلمان و به روایتی مرد مسلمان ایرانی در ازدواج‌های ایرانیان انکارناپذیر است. با نگاهی به استفتانات انجام شده در خواهیم یافت که گرچه ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان ختنه نشده تنها مورد وثوق همگان بوده و از سوی همه مذاهب اسلامی، مورد تأیید است اما زنان و خانواده‌های مسلمان ایرانی بر مختون بودن همسر خود تأکید به سزایی داشته و دارند.

در کتاب «گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرم‌سرا» درباره ختنه یکی از نوجوانان درباری آمده است:

«امروز ختنه‌سوران عزیزالسلطان (ملیجک دوم) است و تفصیل از این قرار است. این پسر 17 الی 18 سال دارد. از شدت مرحمتی که شاه نسبت به او داشتند تا به حال ختنه نشده و هر وقت هم پدر و مادرش عجز می‌کردند که پسر

ما باید آخر مسلمان باشد و ختنه نکرده از ملت حنیف محسوب نیست، می‌فرمودند امپراتور روس که ختنه نکرده مگر پادشاه مملکت روس نیست؟! تا در این اواخر عزیز السلطان عریضه‌ای به شاه نوشته بودند که اگر من داماد شما هستم پس چرا دختر خودتان اخترالدوله را به من نمی‌دهید؟ قرار شد که در ماه ربیع‌الاول عروسی بکنند. صغرا خانم مادر دختر پیغام داده بود اگر می‌خواهی داماد من بشوی اول باید ختنه بکنی. حب جاه و میل به دختر واداشت عزیزالسلطان را که تمکین به ختنه کند.» (آزاد، 1357).

در کتاب تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران (فلور، 2010) نیز آمده است:

«م. ریشار که در 1848 میلادی به ایران آمده بود تا در دارالفنون زبان فرانسوی درس بدهد، راه سرراست‌تری در پیش گرفت. به جای ازدواج موقت رفت کنیزی گرد خرید و لباس پسرانه بهش پوشانید. به همه گفت «پسره» نوکرش است، ولی شب‌ها، دور از چشم دیگران، دختره به بدن او خدمت می‌کرد. وقتی یکی از نوکرهاش این رابطه را فاش کرد، او مدعی شد که دختره همسر آن نوکر است، ولی چندی بعد این رابطه را گردن گرفت. ریشار وقتی فهمید دختره آبستن است رفت در شاه عبدالعظیم بست نشست. چندی که گذشت او خود را ختنه کرد تا ثابت کند که مسلمان شده است و اعلام کرد آن زن جوان همسرش است.»

با توجه به روایت‌های تاریخی فوق درمی‌یابیم که مختون بودن مردان در زمان ازدواج برای ایرانیان از چه اهمیت به سزایی برخوردار بوده و به‌نوعی می‌توان چنین گفت که گرچه از نظر شرعی مشکلی در ازدواج صورت نگرفته بوده اما ختنه شدن در میان عموم مردم شرطی اساسی برای مسلمان دانستن مردان ایرانی به شمار می‌رفته است. این مهم حتی در نحوه تعامل زنان روسپی ایرانی با مردان نامختون نیز هویداست، از دوره پهلوی چنین نقل است:

«زنان مسلمان سختگیر با مردان ختنه نشده نمی‌خوابیدند، ولی بودند کسانی از ایشان که قیمت دو برابر می‌خواستند تا نصف اش را بدهند به ملا تا کفاره گناهانشان باشد. ولی یک روسپی ایتالیایی بود که همیشه موقع خوابیدن با یک مشتری، روی مجسمه مریم باکره را می‌گرداند به طرف دیوار؛ یعنی غرب و شرق این‌همه از هم دورند؟!» (فلور، 2010).

چنانچه گفته شد التزام به انجام دستورات دینی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نخستین و مهم‌ترین انگیزه و دلیل استمرار عمل ختنه در ایران بوده است. با توجه به ورود دین اسلام به ایران و سرعت گسترش آن درهم تنیدگی جامعه ایرانی با اصول و باورهای اسلامی بطور چشمگیری سرعت گرفت. از همین روی آشنایی با این پدیده و باید‌ها و نبایدهای آن در دین اسلام درک برخی از رخدادهای تاریخی را تسهیل می‌کند.

بنابر چهار چوب نظری این بررسی، سنت ختنه دارای کارکرد های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تاریخی و پزشکی و بهداشتی می باشد از این روی بررسی پدیده ختنه در فرایند تاریخ ایران از منظر درهم تنیدگی ساختاری و نهادی حائز اهمیت است. در توضیح کارکردهای اجتماعی ختنه پذیرش دینی و قومی، هویت بخشی جنسیتی به مردان و پدرسالاری و منافع مردان مطرح است و در کارکردهای اقتصادی، ختنه گری به مثابه یک شغل و تخصص با دلایل تجاری استمرار می یابد. آمیزش هویت فرهنگی و هویت دینی در جامعه ایران بررسی برخی مقولات انسان شناختی را به موضوع پیچیده ای بدل می کند. از آنجا که همجواری با فرهنگ‌های مختلف

و در نتیجه اشاعه فرهنگی تاثیرات غیر قابل انکاری هم بر روی عملکرد و هم تفسیر هویت و اعمال دینی می گذارند دشواری تبیین و تحلیل، مضاعف می شود.

یکی از مباحثی که می تواند به بررسی نقش ختنه در زندگی ایرانیان یاری رساند، «اقتصاد هویت» است. به باور برخی از اقتصاددانان، اقتصاد علم انتخاب است و یکی از موضوعاتی که بر انتخاب ها یا رجحان های ما تأثیرگذار است، باورهایی است که در ما درونی شده اند. برای نمونه در اسلام خوردن گوشت خوک حرام است از همین روی مسلمانان به طور درونی شده از خرید گوشت خوک ممانعت می ورزند. جرج اکرلاف، برنده نوبل اقتصاد سال **2001** و راشل کرانتون، اقتصاددان که از پیشگامان اقتصاد هویت می باشند نیز بر این باورند که رجحان ها از هنجارها به دست می آیند که ما آن ها را به عنوان قواعد اجتماعی در باب اینکه افراد چگونه باید در موقعیت های مختلف رفتار کنند؛ تعریف می کنیم. این قوانین گاه صریح، گاه ضمنی، عموماً درونی شده و اغلب عمیقاً پاس داشته شده اند و «ترجیحات» و «رجحان هایی» که از این هنجارها به دست می آیند به تناوب، موضوع نزاع اند (اکرلاف، **1395**).

تاکید بر ضرورت انجام مناسک و پیروی از الگوهای مذهبی از قدرت زیادی برخوردار است تا آنجا که برخی افراد را به این باور می رساند که هیچ راه دیگری جز رفتن به راه گذشتگان ندارند حتی اگر مجبور باشند درد و رنج ناشی از آن را به جان بخرند. این در حالی است که دانش و اطلاعات عموم مردم درباره ریشه ختنه و علل و عوامل بروز و استمرار آن کافی نیست و چه بسا اگر آگاهی بخشی و روشنگری در این زمینه انجام شود، والدین بسیاری باشند که بخواهند راهی به جز مسیر گذشتگان انتخاب کنند اما در نبود داده های اطلاعاتی کامل و آگاهی بخش، این رویه به عنوان میراثی در طول تاریخ، نسل به نسل منتقل می شود و پدرانی که خود روزی درد و رنج ناشی از ختنه را متحمل شده اند نه تنها تصویری راجع به ایستادگی در برابر سنت ها را ندارند بلکه حتی توان و قصدی برای مقابله با آن در تصمیم شان دیده نمی شود و تنها سعی دارند با تطمیع فرزندان خود به هر صورت ممکن، زخم آن ها را التیام ببخشند.

آنچه که به طور خاص در مورد جامعه ایرانی از اهمیت بسیار برخوردار است این است که اطلاعات موجود درباره ختنه به صورت یکسویه به تمامی در راستای تایید عمل ختنه و نتایج مثبت احتمالی آن است و جریان آزاد اطلاعات به گونه ای که عموم مردم در کنار نکات مثبت درباره پیامدها و آسیب های احتمالی این عمل اطلاعاتی کسب کنند وجود ندارد و بدیهی است که مسئولان نهادهای دولتی و علمی در ایران موظف هستند نتایج تحقیقات و مطالعات جهانی را در اختیار مردم قرار دهند. چنانچه نتایج این پژوهش نشان داده از منظر پزشکی دو اظهار نظر متفاوت و متضاد درباره ختنه وجود دارد و این حق مردم است که در کنار دانستن نکات مثبت مثل پیشگیری از ابتلا به برخی بیماری های عفونی درباره نکات منفی مثل تبعات روحی و کاهش میل جنسی نیز اطلاعاتی کسب کنند.

متأسفانه اندک تحقیقات موجود در این زمینه که از منظر علم پزشکی صورت گرفته؛ اغلب در راستای نتایج مثبت این عمل و تحکیم مشروعیت آن بوده است و این در حالی است که نگاه و رویکرد جوامع امروزی نسبت به ختنه متنوع است. این عمل که با فراوانی و درصد بالایی در جوامع مسلمان و یهودی تداوم یافته در برخی دیگر از نقاط دنیا رواج ندارد اما در دسترس نبودن اطلاعات جامع و تبلیغات یکسویه در ایران باعث شده عموم مردم کمتر به چرایی این عمل بیندیشند چراکه تصور رایج این است که این عمل در همه جای دنیا در حال انجام است. نبود اطلاعات کافی و جامع درباره عمل ختنه، استیلای فرهنگ، سنت و دین از جمله دلایل مهم استمرار عمل ختنه در جوامعی مثل ایران است اما در کنار همه این موارد نباید نقش فشارهای اجتماعی را بر تداوم این عمل نادیده گرفت؛ در جامعه‌ای که ختنه نشدن به مثابه خروج از دین محسوب شده و ننگ تلقی می‌شود و پسرچه‌های ختنه نشده مورد تمسخر قرار می‌گیرند، والدین حتی اگر به چرایی این موضوع اندیشیده باشند، باز هم ممکن است برای گریز از این فشار اجتماعی اقدام به عمل ختنه فرزند خود کنند به‌خصوص اینکه دسترسی به اطلاعات جامع و کامل درباره مضرات و نتایج ختنه هم نداشته باشند و به‌صورت یک‌جانبه با موجی از تبلیغات مافیای پزشکی و درمانی مواجه می‌شوند که در جهت تأیید این عمل است ۱۰. قدر مسلم این است که سود سرشار حاصل از تجارت ختنه در صنعت پزشکی سبب اغماض از برخی صدمات و عوارض احتمالی عمل ختنه از سوی برخی پزشکان شده است. به‌خصوص اینکه در قوانین و مقررات دولتی ایران در راستای تأیید این عمل جایی باز شده و مجوزهای لازم نیز صادر می‌شود و مهر تأیید سازمان‌های دولتی بر این عمل از کلینیک‌های مجهز برای عمل ختنه گرفته تا تجهیزاتی که روز به‌روز پیشرفته‌تر می‌شود را می‌توان دید. حالا دیگر ختنه کنندگان سنتی جای خود را به متخصصانی داده‌اند که در کلینیک‌های مدرن و زیبا عمل ختنه را انجام می‌دهند. این عمل در چارچوب بیمارستان‌ها هنگام زایمان نهادینه شده و هزینه ختنه پسران روی قبض زایمان محسوب می‌شود و مشخص است که نه تنها سود سرشار حاصل از انجام عمل ختنه می‌تواند منجر به چشم پوشی جامعه پزشکی از آسیب‌های احتمالی ختنه شود بلکه همچنین می‌تواند به پشتوانه مشروعیت‌های دینی، فرهنگی، سنتی و توسل به راهکارهای قانونی و حقوقی به پیشبرد اهداف تجاری حاصل از ختنه و دفاع همه‌جانبه و تبلیغ و ترویج نیز بپردازد.

اما آنچه اهمیت دارد و نباید مورد تعرض قرار بگیرد ارج نهادن به حقوق کودکان و حق آن‌ها بر بدن و سلامتی‌شان است و دست بردن به خصوصی‌ترین عضو بدن یک کودک به‌عنوان عملی که مغایر با حقوق کودکان است آیا می‌تواند توجیهی داشته باشد و آیا ما حق داریم به‌خصوصی‌ترین عضو بدن یک کودک دست زده و تغییری در آن ایجاد کنیم و اگر در بزرگسالی در برابر این پرسش کودکان قرار بگیریم که به چه اجازهای خصوصی‌ترین عضو بدنشان را قطع کردیم؛ چه پاسخی خواهیم داشت؟ با توجه به مساله حق بر بدن و حقوق کودک آیا در مقام والد، حقی ایجاد می‌شود که بتوان خصوصی‌ترین عضو بدن فرزند را به نام سنت یا به دلیل فشار اجتماعی یا دستور دینی قطع کرد یا اینکه بهتر است اختیار این عمل را بر عهده خود او بگذاریم که پس از رسیدن به دوران بلوغ و 18 سالگی خود انتخاب کند؟

¹⁰ درباره دلایل رضایت‌مندی و تأیید ختنه از سوی جامعه پزشکی در بخش دوم کتاب "ختنه مردان" مطالبی به تفصیل آورده شده است.

آنچه بر اهمیت مساله ختنه از ابعاد مختلف می‌افزاید، افرادی هستند که این عمل بر روی آن‌ها انجام می‌شود. چراکه اغلب چه درباره دختران و چه درباره پسران، عمل ختنه در دوران نوزادی و کودکی آن‌ها انجام می‌شود. به عبارت دیگر آن‌ها در سن و سالی ختنه میشوند که نه تنها قادر به تصمیم‌گیری نیستند بلکه هیچ درکی نیز از این عمل ندارند و همین امر سبب برانگیختن انتقادات بسیاری شده است. نباید از یاد برد که مفهوم کودکی در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی دارد، تعاریفی که با وجود تفاوت‌ها از یک وجه اشتراک نیز برخوردار است و آن فقدان بلوغ در ابعاد مختلف و عدم آشنایی کودک با حقوقش است و شاید همین امر سبب شده باشد که بشر در طی تاریخ زیست جمعی خویش معمولاً به انسان‌های فاقد کمال عقلی و ذهنی (هم چون اطفال و مجانین) به چشم افراد ناقص و در حکم مال قابل تملک برای خویش و در نتیجه محروم از حقوق اجتماعی بنگرد، به طوری که این امر از جمله حس تملک نسبت به کودکان و اینکه کودک به هر روی متعلق به والدین خویش است از دلایل اصلی بی‌توجهی و کم‌توجهی به حقوق کودکان پنداشته می‌شود. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی می‌تواند طیف وسیعی از رخدادهای تحمیلی بر کودکان را شامل شود که در حادترین موارد مانند خشونت علیه کودکان و گاه ختنه دختران منع قانونی داشته و جرم انگاری شده‌اند. نباید از این امر غافل شد که آسیب‌های جسمی و روحی که ممکن است به واسطه بی‌توجهی یا کم‌توجهی والدین یا جامعه بر کودک تحمیل شود تنها گریبانگیر کودک نبوده و در بلندمدت می‌تواند گروه‌ها و نهادهایی مانند دوستان، خانواده، مدرسه و ... که فرد به عضویت آن‌ها درخواهد آمد را نیز متاثر ساخته و چه بسا پیامدهای منفی را نیز در پی داشته باشد.

ریشه‌های عمیق انجام عمل ختنه در تاریخ و مذهب با وجود آنکه در قرآن نیز آمده که ما انسان را بدون نقص آفریدیم، استیلای فرهنگ و سنت، تجارت ختنه در صنعت و مافیای پزشکی، مراسم ختنه‌سوران و عوایدی که از برگزاری این جشن حاصل می‌شود، تاکیدات مذهبی و خلأهای قانونی از جمله مواردی است که به عنوان سد راهی برای هرگونه تغییر و اصلاح وجود دارد.

5-2- زمینه های فرهنگی تداوم عمل ختنه بر حسب داده های میدان پژوهش

بررسی دلایل تداوم عمل ختنه در نقاط مختلف جهان، حکایت از آن دارد که در میان برخی اقوام سنت‌های بومی، در برخی نقاط جغرافیایی دستورات دینی و در برخی کشورها توصیه‌های پزشکی و در بسیاری موارد ترکیبی از هر سه مولفه به عنوان زمینه های تاثیر گذار در استمرار و گسترش این عمل تا به امروز به شمار می‌رود. این موارد نمایانگر تسلط گفتمان پزشکی، سنتی و دینی بر پدیده ختنه و ابژه کردن آن از طریق هر یک از این گفتمان هاست که البته به نظر می‌رسد در برهه هایی از زمان تسلط این گفتمان ها به گونه ای ترکیبی و همزمان بوده است. مشروعیت بخشی عمل ختنه و ارتباط آن با ساختارها و سازوکارهای قدرت از طریق این گفتمان ها قابل مطالعه و محل تامل است. از همین روی بررسی این امر از منظر تاریخی، حقوقی، مردم‌شناسی و جامعه شناسی ضروری به نظر می‌رسد.

5-2-1- زمینه های قومی؛ سنت ها و هنجارهای اجتماعی

آن گونه که جدول آمار ختنه مردان در نقاط مختلف و همچنین نقشه میزان شیوع ختنه سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد، فراوانی انجام عمل ختنه و استمرار آن در میان جوامعی که بافت بومی دارند و سنت ها و دستورات دینی با جدیت دنبال می شوند، بیشتر است و این عمل در منطقه خاورمیانه و آفریقا شیوع بیشتری دارد. گرچه در این بین کشورهای چون آمریکا نیز در میان کشورهای با درصد بالای ختنه مشاهده می شوند اما دلایل اقبال به ختنه در این کشور نیز حائز اهمیت است که نه بر اساس یک باور، بلکه به دلیل برخی گزارش های پزشکی مورد اقبال و یا بی توجهی قرار گرفته است. این امر ضرورت یک رویکرد عام به پدیده ختنه را به همان اندازه اثبات می کند که داشتن یک رویکرد خاص؛ به گونه ای که در بررسی پدیده ختنه بایستی هم صورت بندی عام آن در جهان و جوامع مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که نمایانگر اشتراکات بین جوامع در نگاه و عمل به این پدیده هست و هم صورت بندی خاص آن رصد شده و سیر بر ساخت، تحول و تطور روند این پدیده در فرایند تغییر و تحولات هر جامعه به طور خاص مورد ارزیابی قرار گیرد. درباره رواج ختنه در جوامعی که سنت ها و هنجارها اهمیت بسیار دارند دکتر مهدی فیضی، اقتصاددان و مترجم کتاب «اقتصاد هویت» می گوید :

گاهی شما با جامعه ای مواجهه هستید که مثلا همچون جوامع شرقی در معنای کلی و کشورهای خاورمیانه در معنای خاص به دلایل خیلی گسترده تاریخی دچار تنوع و دسته بندی های اجتماعی هستند مثلا قومیت ها؛ شما این حجم چگالی قومیتی را که مثلا در افغانستان و ایران و یا مثلا در میان بعضی قبایل آفریقایی می بینید، در خیلی از کشورهای دیگر نمی بینید. بنابراین باید بپذیریم در بعضی جوامع این تنوع و واریانس، بیشتر هست. هر دسته یک هویتی دارد و انگار این چهل تکه گی هویتی، این پراکندگی هویتی و یا تنازع های هویتی وقتی جدی می شود که هرکسی هم تلاش می کند هویت خودش را بلدتر کند.

آمار مردان ختنه شده در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد سنت ها در برخی جوامع چند هویتی اهمیت بسیار دارند و در برخی دیگر این گونه نیست که مردم در آداب و رسوم گذشته غرق شده باشند به عنوان مثال می توان به کشور کانادا اشاره کرد که با وجود گستردگی هویتی، تنها 31.9 درصد از مردان این کشور مختون شده اند. تحلیل دکتر مهدی فیضی در این خصوص بر تفاوت های موجود میان جوامع شرقی و جوامع غربی تاکید می کند و می گوید :

آنچه در شرق وجود دارد، تاریخی، زمانمند و تکاملی است و آنچه در غرب وجود دارد نوظهور است و این دو را نمی توان با هم مقایسه کرد. زمین تا آسمان با هم فرق می کنند. در غرب یک جور پوسته ای از multi-culturality هست ولی فقط یک پوسته است و وقتی در بطن آن بروید، خواهید دید که اتفاقا خیلی هم همگون است ولی در شرق اصلا این شکلی نیست شما مثلا توی جامعه کانادا اصلا هویت جنسیتی را جدی نمی گیرید در حالی که در شرق خیلی جدی می گیرید یا هویت قومیتی را اصلا جدی نمی بینید اما این موضوع در شرق بسیار جدی است. ممکن است چنین ادعایی بکنند ولی شما در نهایت اگر خواستید در آن جامعه موفق باشید اصطلاحا باید integrate بشوید. Integrate شدن یعنی شما باید در آن جامعه و فرهنگ غالب آن حل بشوید بنابراین باید همه تفاوت هایتان را کنار بگذارید. اتفاقا آنجا دقیقا نکته

همین است که شرط بقا در غرب، فراموشی فاکتورهای هویتی است و دقیقاً شرق عکس آن صادق است و باید فاکتورهای هویتی را خیلی جدی و پر رنگ کنید.

دکتر مهدی فیضی، عضو هیات علمی اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد به فشارهایی اشاره می کند که در صورت عدم رعایت آنها در قالب هایی چون شرم بر افراد وارد می شوند. این شرم از طریق تمایز اجتماعی و دسته بندی های دوتایی جامعه ایجاد می شود و در واقع یک احساس برساخته ی اجتماعی است. در مورد عمل ختنه این تمایز اجتماعی از طریق تقسیم بندی دوتایی ختنه شده ها و ختنه نشده ها اعمال می شود. ختنه نشده ها مورد طرد قرار گرفته و با هنجارهای همان جامعه به حاشیه رانده می شوند. در اینجا نظریه طرد اجتماعی و برساخت اجتماعی دو نظریه تبیین کننده می باشند. او می گوید:

«اگر کسی بخواهد هر آیین اجتماعی یا هر آیین سنتی یا قوانین مذهبی مربوط به دسته ای که آن را به دیگران منتسب می داند انجام ندهد دچار یک فشار اجتماعی می شود. از این زاویه که هنجار اجتماعی رو پاس نداشته، اصطلاحاً می گویند شرم اجتماعی بر او مستولی می شود. این به آن شکل خودش را نشان می دهد. در صورتی که روانشناختیش بعد می آید به سمتی که اون Psychological cost (هزینه روانی) رو کاهش بدهد به تعبیری، از میزان مصرفش کم کند برای کاهش آن هزینه، با جمع همون می شود مستقل از اینکه اون کار خوب هست یا بد هست.»

او در ادامه و در باب اینکه کدام گروه از جوامع محتمل است تن به این آیین ها و سنن بدهند، می افزاید:

«معمولاً در مورد اقلیت ها به طور کلی بیشتر اتفاق می افتد به این دلیل که کسی که جزو اقلیت هست دچار این ترس می شود که طرد بشود. بنابراین خیلی بیشتر باید تن بدهد به این آیین ها و اگر تن به این آیین ندهد در حقیقت خیلی کمتر پذیرفته می شود. حالا این اقلیت می تواند قومیتی، رنگ پوست، جنسیتی یا هر چیزی باشد.»

ختنه اغلب چنان در تارو پود اعتقادات و باورهای افراد در جامعه سنتی تنیده شده که اغلب اعضای جامعه آن را به مثابه امری طبیعی درک می کنند. در باور آنها ختنه لازمه امری مثل مرد شدن است و کسی نمی تواند بدون ختنه شدن مرد باشد. در اینجا ختنه نماد مرد شدن و مردانگی قلمداد می شود و عمل ختنه که یک امر اجتماعی و برساخته جامعه است، امری طبیعی فهم می شود. به نظر می رسد در این زمینه نظریات زیرمجموعه جامعه شناسی جنسیت تبیین کننده باشد. یکی از مردان مشارکت کننده در این پژوهش، دارای 65 سال و دیپلم و ساکن کانادا، در این باره چنین اظهار می کند:

«درکم این بود که همه باید انجام بدن یعنی یک عملی بود که همه باید انجام بدن یک مقدار به خاطر اینکه ما راحت تر به این قضیه برخورد بکنیم یعنی قبل ترش هم می شنیدیم که مثلاً تو ختنه شدی یا نشدی مثلاً اگر جز ختنه نشده ها بودی یعنی اینکه به اصطلاح، یعنی در حقیقت مرد نشدی یا اینکه یک تشخیص بود یک چیزی هست حاکی از بزرگ شدن آدم بود یعنی یک ارزشی رو تداعی می کرد توی ذهن. علی رغم اینکه می دونستیم خب یک بریدگی هست و یک دردی داره بعد بالاخره اون شکلی که با اون پوست اضافه به اصطلاح قابل قبول نبود یعنی چون نوزادها به همچین حالتی بود مام که تو اون سن ها بودیم وقتی که مثلاً اگه دیده میشد یا چیز میکردن ما جز به قول معروف بزرگترها نشده بودیم یعنی بدمون نمیومد وارد این جرگه بشیم ولی خب یک سابقه داشتیم، میدونستیم که یک چیزیه که باید انجام بگیره»

همرنگی با جماعت و اجتناب از رسوا شدن از مهم ترین کارکردها و دلایلی است که انسانهای مذکر در جوامعی همچون ایران در جستجوی آن با انجام عمل ختنه هستند. مسئله بی آبرویی که از متن سنت ها و هنجارهای غالب بر جامعه می آید، در جوامعی چون ایران که ویژگی های جامعه توده وار را در خود دارد، همواره مسئله مهمی بوده است که عرصه را برای بروز و ظهور تفاوت های اجتماعی و کنش های مبتنی بر تمایزات اجتماعی تنگ و محدود کرده است. به نظر می رسد در اینجا نظریه تایید اجتماعی، نظریه جامعه توده و نظریه همنوایی اجتماعی تبیین کننده باشد.

اظهارات یک مرد ایرانی 65 ساله و ساکن تورنتو در این زمینه گویاست:

«یعنی یک برداشت من این نبود یعنی کماکان هم همین. یعنی یک عمل مضر تشخیص نمی دادیم بعد حتی از نظر بهداشتی اون عضو بهتر بود و به اصطلاح یک چیز دیگه بود که به اصطلاح در بافت جامعه ما اصلا نامتعارف بود اگر این عمل انجام نمی گرفت چون بالاخره بعدها به اصطلاح مورد پرسش قرار می گرفت یعنی به خاطری که به اصطلاح معمول باشه و چجوری بگم حالا شاید کلمه انگشت نما خیلی خوب بیان نکنه ولی چیز بود یعنی یه چیز معمولی، بی ضرری می دیدم که باید انجام بگیره.»

مجموع این نشانه ها از قدرت بی بدیل سنت ها و هنجارهای اجتماعی حکایت دارند که به موجب آن افراد بسیاری، بی آنکه دلیل روشن و مشخصی برای کارهای خود بیابند، تن به هنجارهای اجتماعی می دهند و راه رفته گذشتگان را دنبال می کنند. برای درک بهتر این موضوع می توان پاسخ هایی را که به پرسشنامه عمومی این پژوهش داده شده مورد بررسی قرار داد؛ اغلب کسانی که به این پرسشنامه پاسخ داده اند در توضیح دلایل ختنه شدن خود یا فرزندان شان هنجارهای اجتماعی و عرف و سنت را مورد اشاره قرار داده اند: زنی 35 ساله اهل جوانرود از استان کرمانشاه می گوید:

«من دو تا فرزند پسر دارم و هر دو را قبل از دو ماهگی ختنه کردم، معمولاً اطرافیان ما در همین سن بچه های خود را ختنه می کنند. درباره اینکه چرا ختنه کردم؛ راستش اینطور نبوده که بنشینم فکر کنم و بعد برم کاری رو انجام بدم انقدر این موضوع در شرع و عرف جامعه ما پذیرفته شده و عادی هستش که کسی به چرایی آن فکر نمی کنه مثل اینکه از کسی سوال کنید چرا با قاشق غذا می خوری؟ به خاطر پشتیبانی که شرع و عرف از ختنه تا حالا کرده و به دلیل نکات مثبتی که میگن از نظر بهداشتی داره این مساله در جامعه ما کاملاً عادی و پذیرفته شده است.»

قدرت سنت ها، فرهنگ و آداب و رسوم در سبک زندگی افراد و تصمیماتی که می گیرند آنقدر زیاد است که در مواردی مثل ختنه مردان، برخی از مردم بی آنکه به چرایی مساله ای بیندیشند، به روال گذشتگان اقدام می کنند. برای این افراد سرپیچی از منویات جامعه و سنت نوعی انحراف از معیارهایی است که تعیین کننده وضعیت طبیعی در جامعه اند و به نظر می رسد که «ختنه شدگی» نیز یکی از مصادیق وضعیت طبیعی در باور جوامعی همچون جامعه ایران باشد، چنانچه مردی 43 ساله ساکن تهران در پاسخ به پرسشنامه این پژوهش درباره دلیل اینکه فرزندش را ختنه کرده می گوید:

«من دلیلی نداشتم ولی بیشتر به خاطر اینکه توی این جامعه همه باید بالاخره یه روزی این کار رو بکنن.»

در واقع سنت‌ها علاوه بر اینکه افراد را ملزم به رعایت قوانین می‌کنند راه را برای طرح هرگونه سوالی نیز بر روی آن‌ها می‌بندند. سنت‌ها از طریق طبیعی جلوه دادن پدیده‌هایی که اموری اجتماعی‌اند و برساخته جامعه و شرایط آن هستند و در اینجا ختنه از همان پدیده هاست، راه را برای پرسشگری و نقادی ذهن کنشگران می‌بندند و ضرورتی برای آزادی و اختیار و نقد اجتماعی در باب این پدیده‌ها نمی‌گذارند. برای درک بهتر این موضوع پاسخ مردی 65 ساله از تربت‌جام درباره دلیل ختنه فرزندش قابل تامل است:

«این کار امری معمولی بود که باید طبق روال انجام می‌شد»

اما آیا پیروی از گذشتگان و نیاکان ضرورتی غیرقابل اجتناب است یا الزامی درباره آن وجود ندارد؟ بنظر می‌رسد با تاکید بر بلوغ و خودبستگی جهان امروز هر فردی باید با منطق و عقلانیت راه خود را انتخاب کند. شهرام اقبال زاده، مترجم، منتقد و نویسنده ادبیات کودک در این زمینه تصریح می‌کند:

«در یک روند کلی چنین تحولاتی مشابهت‌های زیادی دارند، در عین اینکه غرب خیلی زودتر به این مرحله رسیده مثلاً به خاطر روابط گسترده‌ای که سرمایه‌داری دلیل آن بوده، سرمایه‌داری به پدیده جهانی بدل می‌شود، یعنی از سطح ملی به اجبار گذر می‌کند به خاطر اینکه باید تولید مازاد و کالاهایش را صادر کند، باید مواد اولیه‌اش را تامین کند، به همین دلیل روابط خیلی گسترده می‌شوند. این گستردگی فقط در سطح اقتصاد نیست، بلکه در سطح فرهنگ و سیاست هم رخ می‌دهد. در مراحل اولیه که هنوز تمرکز سرمایه و قدرت انحصاری بین جناح‌های سیاسی شکل نگرفته، ضرورت گردش آزاد سرمایه، موجب آزادی سیاسی و فرهنگی و تقدس‌زدایی از برخی از آیین‌های مذهبی و حتی منع کلیسا از دخالت در مسائل فرهنگی و عقیدتی می‌شود و با آزادی اندیشه، خیلی از کلیشه‌های جنسیتی و شبه‌مقدس به چالش و پرسش کشیده می‌شوند. مراجع دینی و نهادهای مذهبی و سیاسی و رهبران قومی قبیله‌ای یا دینی مذهبی و آئینی که رمزگشایی و اختیار تفسیر محرمات و تابوهای جنسی را در اختیار دارند در نهایت طی روندی تاریخی، هم اختیار رمزگشایی و تفسیر این شبه مقدسات و محرمات را که به قدرت اجتماعی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بدل شده را بدست آورده‌اند و هم امتیازات خاصی را به خود اختصاص داده‌اند و جدا از فرد فردشان، به یک قشر یا یک کاست قدرتمند مبدل شده‌اند، یعنی در مجموع به صورت یک طبقه‌ی هژمونیک درآمدند، بخشی از طبقه‌ی حاکم که دو ستون دارد یکی قدرت سیاسی و دیگری قدرت مرجعیت مذهبی. این‌ها اجازه هیچ نوع تفسیر و رمزگشایی را نمی‌دهند چون نهایتاً اگر اقتدارشان بشکند و آن اعتبار و اوتوریت معنوی‌شان از دست برود قدرت سیاسی و هژمونی‌شان هم زیر سوال رفته و این می‌تواند برایشان بحران‌زا باشد.»

شیخوخیت و پیرسالاری نیز بخشی از منطق باورمندان به عمل ختنه است. در جامعه سنت زده، پیران و شیوخ از اقتدار و مرجعیت بالایی در بین اعضای جامعه برخوردارند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زنی 30 ساله ساکن شاهین‌شهر استان اصفهان است. او در بخشی از سخنان خود در بیان چرایی تن دادن به ختنه پسرش عنوان می‌کند:

«طبق نظر بزرگترها پیش رفتیم.»

در همین راستا باید اذعان داشت که بازتعریف و منتسب کردن مفاهیمی چون مردانگی و شجاعت به پسرانی که ختنه می‌شوند و نحوه برخورد جامعه مورد بحث با افراد ختنه نشده، توانسته ذهنیت مثبتی را نسبت به ختنه

مردان پدیدار سازد. این دوگانه سازی جامعه که منتسب به ختنه شده و ختنه نشده می شود و پیشتر به آن اشاره شد خود عاملی برای طرد اجتماعی افراد ختنه نشده و در نتیجه تن دادن به آن با هدف کسب تایید اجتماعی است. به بیان دیگر این قبیل رفتارها سبب شده است که در بلندمدت عمل ختنه در برخی از جوامع به سنت و ارزشی والا بدل گردد و پایبندی به سنن تحسین گردد از همین روی کودکان با علاقه و رغبت تن به این عمل دهند. مردی ایرانی، 65 ساله و ساکن شاندیز از استان خراسان رضوی در پاسخ به این سوال که چرا به انجام چنین عملی برای فرزندان خود مبادرت ورزیده، چنین می گوید:

«هیچی، هم مثل نماز خوندنمونه دیگه چون بابامون نماز می خونده ما هم نماز می خونیم در اون سن.»

بدیهی است که محیط و جغرافیایی که افراد در آن زندگی می کنند در انتخاب و اختیار افراد برای اینکه دنباله رو چشم و گوش بسته سنت ها باشند یا با درایت پیش بروند موثر است و این مهم را می توان از میان نقل قول های برخی پاسخ دهندگان که در ایران فرزند خود را ختنه کرده اند ولی در حال حاضر در کشوری دیگر زندگی می کنند، ملاحظه کرد؛ برای مثال زنی 56 ساله ایرانی و ساکن تورنتو درباره اینکه چرا فرزندش را ختنه کرده می گوید:

« چون در ایران مرسوم بود و دلیل دیگری نداشت.»

همچنین مردی ایرانی 70 ساله ساکن کلن آلمان هم عنوان می کند که پیروی چشم بسته از سنت ها او را واداشته که برای ختنه پسر خود اقدام کند. به عبارت دیگر این افراد بعد از خروج از محیط و جامعه ای که پایبند سنت هاست، فرصت می یابند که با نگاه و بینش شفاف تری درباره علل و دلایل یک کار پیش از اقدام به انجام آن بیندیشند. در واقع چنین به نظر می رسد که بسیاری تن به این عمل درباره فرزندان خود می دهند برای اینکه در جامعه ای که در آن زندگی می کنند مورد پذیرش قرار بگیرند تا به اصطلاح هم رنگ جماعت شوند. این تجارب زیسته نمایانگر قدرت جامعه در برساخت ذهن کنشگران اجتماعی در جامعه ای بسته، سنتی و قبیله ای است، به گونه ای که تبعیت نکردن از هنجارهای جامعه ناهم نوایی قلمداد شده و به طرد اجتماعی منتهی می شود، لذا اجازه کنشگری فعال و خلاق از فرد سلب شده و افراد از ترس حذف و طرد شدن قادر به انجام رفتاری مغایر با هنجارهای موجود و متفاوت از اکثریت نیستند. در اینجا ترس از دیگری بودن و غیریت سازی و برچسب زنی اجتماعی منجر به هم نوایی و تبعیت از انجام سنت ختنه به مثابه هنجار مسلط بر جامعه عمل می کند. به نظر می رسد نظریه برچسب اجتماعی و نظریه طرد اجتماعی تحلیل کننده این وضعیت باشد. زنی 36 ساله دانشجوی ساکن انگلستان و اهل سنج در استان کردستان با این که خود اعتقادی به ختنه ندارد و آن را نوعی ناقص سازی می داند ولی با اشاره به هنجارهای جامعه سنتی از دشواری های ماندن بر سر این باور سخن به میان می آورد. وی می گوید:

«به نظر من عمل ختنه یک جور ناقص سازی جنسی هست و من اگر صاحب فرزند پسری باشم به هیچ عنوان او را ختنه نمیکنم اما این را هم می دانم که اگر من در خانواده ای مذهبی و سنتی باشم که به دلیل سنت، دستور دین و مسایل بهداشتی ختنه را انجام می دهند، قطعاً روبروی من و تصمیمی که گرفتم و یا حتی مقابل فرزند من جبهه خواهند گرفت و این کار را مشکل می کند اما قطعاً من سعی می کنم آن ها را متقاعد کنم که این کار ناقص سازی جنسی هستش.»

در تجربیات برخی از مشارکت کنندگان اشاره به برخی محدودیت هایی شده که انسان ختنه شده در زندگی روزمره خود با آن مواجه است. به نظر می رسد که موضوع پاک بودن و آنچه که در ادبیات دینی تحت عنوان «طهور» از آن یاد شده است ملازمه عمیقی با عمل ختنه در ذهنیت دینی داشته و در ترغیب آنها به انجام عمل ختنه بسیار موثر بوده است. مثلاً مرد 34 ساله، مسلمان، لیسانس، شیعه و ساکن اهواز در این باره می گوید:

«یادمه با بابام و عموم رفتیم و تیغ اسلام رو کشیدن رومون مسلمون پاکی شدم، قبل ختنه بهم میگفتن سر مرغ نمیتونی ببری چون ختنه نشدی پاک نیستی البته بعد ختنه هم سر مرغ نبریدم، یه سری جایزه دادن و خوشحال بودم، بعد ختنه هم دنبال مدفوع خر ماده بودن برام که دود بدن بهم با اون دامن قرمزی که پام کردن.»

5-2-2- زمینه های دینی و مذهبی

آنگونه که شواهد و اسناد تاریخی موجود به اثبات می رساند، نقش دین در تداوم و استمرار عمل ختنه تعیین کننده بوده است به طوریکه در طول تاریخ همواره افرادی بوده و هستند که این عمل را انجام می دهند، بی آنکه جز پیروی از دستورات دینی، دلیل مشخص و روشنی درباره آن داشته باشند. برخی پاسخ های مادران و پدران به پرسش نامه عمومی این پژوهش درباره اینکه چرا فرزندان خود را ختنه کرده اند نیز بر این موضوع صحنه می گذارد. مرد 65 ساله دیپلم، ساکن کانادا در این باره می گوید:

«یه چیزی بوده بالاخره رایج بوده بالاخره تو یک جامعه مذهبی بودیم اینم ارتباطی داشت با مذهب. یعنی همون موقع ها میشنیدیم اونایی که مثلاً دینشون فرق میکنه با ماها، الان میگم اعتقادی ندارم اون موقع خب ما به عنوان یک شیعه می دونستیم که این باید انجام بگیره و این مته یک تشخصه، میدونستیم مثلاً مسیحیها این کار رو نمیکن.»

پدران و مادرانی که به سوالات پرسشنامه این پژوهش درباره دلایل ختنه فرزند خود، پاسخ های کوتاه داده اند، نقش تعیین کننده دین را متذکر شده و خود را بی هیچ چون و چرایی موظف به انجام دستورات دینی می دانند. به عنوان مثال زنی 30 ساله اهل بیرجند از استان خراسان رضوی پیروی از شرع را دلیل قاطع خود برای ختنه فرزندش ذکر می کند. مردی 29 ساله اهل تایباد از استان خراسان رضوی می گوید اطاعت از دین و خانواده دلیل او برای ختنه فرزندش بوده است. همچنین زنی 59 ساله از کاشمر استان خراسان رضوی نیز اسلام و سلامت را به عنوان دلایل خود مطرح می کند. به عنوان مثال زنی 36 ساله از تهران گفته است:

«من پسر را ختنه کردم و مطمئنم که باید این کار را می کردم چون ختنه سنت پیامبر هستش و ما وظیفه داریم بچه هامون رو ختنه کنیم. اگر روزی هم پسر از من سوال کنه که چرا من رو ختنه کردی حتما بهش میگم چون تو مسلمان هستی و اگر ختنه نمی کردی نمی توانستی داماد شی و نماز قبول نبود.»

عادی انگاری عمل ختنه به دلیل استیلای دین و مذهب بر زندگی انسان در کنار ناآگاهی، عواملی است که دکتر علیرضا کرمانی جامعه شناس حوزه کودک، از آنها به عنوان مهمترین دلایل استمرار ختنه در طول تاریخ یاد می کند:

« ما در فضایی بزرگ شدیم و زندگی کردیم که نه تنها درباره پیامدها و عوارض منفی ختنه چیزی نشنیدیم که آنقدر هم تبلیغات درباره کارکردهای مثبت آن زیاد بوده که تصور می‌کردیم امری طبیعی است و باید انجام شود. من اگر بخواهم به هر کدام از دلایلی که باعث تدوام و استمرار ختنه در طول زمان شده‌اند وزن بدهم فکر می‌کنم نا آگاهی و استیلای دین و مذهب بر زندگی انسان در طول سده های گذشته و در نهایت شاید چیزی به اسم بیزنس پزشکی در دوره معاصر بتواند از دلایل گسترش و استمرار ختنه باشند.»

فارغ از اظهار نظرهای افراد درباره سکس مردان ختنه نشده و ختنه شده که از تجربیات شخصی آن‌ها برمی‌آید نمی‌توان قدرت هنجارهای شرعی و تاثیر آن در انتخاب‌های افراد را نادیده گرفت. اینجا منظور زنانی هستند که به دلیل موقعیت جغرافیایی و عرف جامعه باید مردی را برای ازدواج انتخاب کنند که ختنه شده باشد حتی اگر بدانند آن مرد عملکرد جنسی فوق‌العاده‌ای نخواهد داشت؛ به‌عنوان مثال می‌توان به گفته‌های خانمی 35 ساله اهل جواهرود استان کرمانشاه اشاره کرد:

«در جامعه ما کمتر مردی هست که به سن بزرگسالی رسیده شده باشد ولی ختنه نشده باشد ولی نگاه جامعه به یک مرد ختنه نشده به‌عنوان یک آدم معمولی ممکنه نباشه. اغلب مردها در سن کودکی ختنه می‌شوند و اینکه ختنه شده باشن و یا نشده باشن انتخاب خودشون نبوده با این همه انقدر این موضوع توجیه شرعی و عرفی داره که خود به خود روی نگاه جامعه به مرد ختنه نشده تاثیر می‌گذاره. برای یک زن به خصوص اگر خیلی پاییند به شرع و سنت باشه خیلی اهمیت داره که همسرش ختنه شده باشه. حتی شاید به ختنه نشدن به معنای نقص هم نگاه کنه.»

جوزف، مهندس مکانیک از ایرلند، نیز اگرچه خود اعتقادی به ختنه ندارد ولی از فشارهای دینی برای انجام آن آگاه است. وی بر این باور است که؛

«ما یهودی هستیم و می‌دونید که چقدر هم پاییندیم به ختنه کردن پسرها. اصلاً یک فرضیه دینی هست و کلی برایش مراسم باید گرفته بشه. ولی من که اسرائیل متولد و بزرگ‌نشدم و مذهبی هم نیستم نگاهم با این موضوع متفاوته. همسرم ایرلندی و یهودی نیست و ما بی‌سر و صدا تصمیم گرفتیم که دو تا پسرمون رو ختنه نکنیم. هر وقتی هم خانواده و فامیل هامون سوال می‌کنن می‌گیم که شدن. میدونم شاید کار درستی نباشه که دروغ می‌گیم ولی اینا نمی‌تونند این موضوع را درک و هضم کنند و ما هم این رو گذاشتیم که زمان حلش کنه. الانه هم مسلمان‌ها و یهودی‌ها فقط دارند ختنه می‌کنند و روش مصرن. گویی یهودیها و مسلمانان توی همین یک موضوع با هم اشتراک نظر دارند.»

برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، به ویژه آنهایی که تجربه زندگی در غرب را دارند و یا دارای تحصیلات عالی هستند، احترام به هنجارهای مذهبی به معنای تسلیم بودن محض در مقابل آنها نیست. برای فرزند زمان خود بودن آنگونه که دکتر کرمی به آن اشاره می‌کند باید تفکری در جامعه ایجاد شود که انتقاد از سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی که ریشه در سنت و تاریخ دارند به مثابه خروج از دین و زیر پا گذاشتن اصول جامعه تلقی نشود و این در حالی است که هنجارهای سنتی مثل ختنه به واسطه مشروعیت دینی و قدمتی به درازای طول تاریخ از چنان قدرتی برخوردار شده‌اند که رویارویی با آن‌ها گاه حتی غیرممکن می‌باشد. در واقع این به معنای مشروعیت بخشی به عمل ختنه کردن از طریق گفتمان دینی است یا به عبارتی مشروعیت بخشی به هنجارهای اجتماعی است که در ارتباط با این پدیده اجتماعی شکل گرفته اند و به واسطه این مشروعیت بخشی

از قدرتی اجتماعی برخوردار شده اند، تا عمل ختنه کردن به مثابه یک امر اجتماعی را به عنوان امری طبیعی جلوه دهند که تبعیت نکردن از آن تابو و توام با گناه و عدول از فرامین دینی/ مذهبی است. سوسن رضایی دانشجوی دکترای شرق شناسی در کلن آلمان معتقد است که یکی از راهکارهای تغییر نگرش جوامع مسلمان و یهود نسبت به ختنه این است که آگاهی پیروان این ادیان را نسبت به کارکرد اجتماعی آن فزونی بخشیم:

« و خب اگر این طوری به ختنه نگاه نکنیم. آن موقع هم می توانیم در مرحله بعد والدین و جامعه را قانع کنیم که اوکی شما ختنه را برای یک هدف اجتماعی انجام می دهید در نتیجه می توان فیزیکش را ملایم تر کرد. یعنی به جای اینکه یک بخشی از پوست یک انسان را ببری می توانی به صورت نمادین یک خراش کوچک بزنی یا به جای اینکه این همه درد به بچه تحمیل کنی با یک جشن، سر و ته ماجرا را هم بیاوری و ورود او را به مرحله جدید جشن بگیری. ولی این چیزی است که یک شبه به دست نمی آید، مرحله به مرحله به دست می آید.»

زمینه های دینی ختنه از چنان اهمیتی برخوردارند که به گمان بعضی این وضعیت باعث شده تا بسیاری از سازمانهای بین المللی با اتخاذ رویکردی محافظه کارانه در عمل راه را بر تدوین سیاست های بین المللی علیه ختنه مسدود کند. به عنوان مثال دکتر رضا یحیایی متخصص کودکان در کانادا درباره دلایل عدم مخالفت با ختنه پسران و سکوت درباره آن از سوی نهادهای مدنی و بین المللی می گوید:

« دلیل اینکه چرا برای مخالفت با ختنه موضع گیری مشخصی وجود ندارد، واضح است چون سرشاخه علم پزشکی از دین یهود است و خب هر چیزی که به یهودیت ارتباط پیدا کند، کلا در معرض مخالفت قرار نمی گیرد. این مساله فقط به ختنه محدود نیست و موضوعات دیگری را هم در برمی گیرد. درباره ختنه هم از آنجا که باور دینی یهود بر این است که کودکان باید در روز هشتم ختنه شوند، هرکسی خلاف این سخنی بگوید می شود یهودستیز.»

عبد الرحمن محمد رسولی از مراجع سنی مذهب در صحبت های خود با تاکید بر انجام عمل ختنه به عنوان یک دستور دینی برای کامل شدن بدن انسان، می گوید:

اگر انجام ندادن ختنه موجب افزایش لذت جنسی می بود، باید غیر مسلمانی که ختنه نمی شوند لذت دیدن رابطه جنسی شان از مسلمین بیشتر می بود، در حالی که هیچ کس از مسلمین در این زمینه کمبودی را احساس نکرده که عاملش ختنه بوده باشد. اتفاقا فقهای شرع فرموده اند: ختنه قوای جنسی را زیاد می کند. اضافه بر آن باعث مبالغه در نظافت و طهارت انسان موجب مصونیت از بیماری ها می شود؛ و خداوند متعال در آیه 222 سوره بقره می فرماید: بی گمان خداوند توبه کاران و پاکان را دوست می دارد.» ۱۱

وی در ادامه صحبت های خود به این نکته اشاره می کند که:

« همه پیامبران یا مادرزادی مختون بوده اند، یا بعدا آن را انجام داده اند؛ و این یک قاعده الهی است که هر چه کمال در آن باشد خدا برای پیامبران خود می خواهد؛ و بی گمان ایجاد نقص جنسی در مرد یک عیب نامطبوع و ناخوشایند محسوب می شود که شکی نیست هیچ پیامبری را در نخواهد گرفت زیرا پیامبران الهی از هر عیب جسمی و روحی مبرا بوده اند. در

هر واجبی از واجبات الهی مصلحت و حکمتی نهفته است هرچند ما بر آن آگاهی نداشته باشیم؛ بنابراین گفته علمای شرع صحیح و خلاف گفته آنان مردود است.»

این اظهارات ضمن نشان دادن ریشه های دینی ختنه به عمل ختنه مشروعیت اجتماعی نیز می بخشد. از آنجا که دین و سنت ها عمری به درازای تاریخ دارند تغییر آن ها حتی در صورتی که وجوه آسیب زا بودنشان به اثبات برسد، زمان زیادی نیاز دارند. ختنه نیز به واسطه عمر هزاران ساله و مشروعیتی که از دین گرفته، مساله ای است که هرگونه پرداختن به آن باید با در نظر گرفتن همه جوانب باشد. بدیهی است تغییر نگرش مردمی که مساله ای مثل ختنه را به عنوان جزئی جدانشدنی از سنت و مذهب پذیرفته اند نه آسان است و نه یک شبه اتفاق می افتد اما روشنگری، آگاهی بخشی و آموزش عمومی و مدنی می تواند کلید راهگشای این مسیر باشد.

3-2-5- زیبایی و مد

در آمریکا و دیگر نقاط جهان به خصوص ایران افرادی هستند که با ذکر دلایل پزشکی و بهداشتی اقدام به ختنه فرزندان خود می کنند. اشاعه ختنه به دلایل غیر دینی و در کشورهایی که مدرن و توسعه یافته نامیده شده اند باعث شده تا بسیاری بدون توجه به تبعات مثبت یا منفی ختنه اقدام به ختنه فرزندان پسر خود به تاسی از کشورهای توسعه یافته ای نظیر آمریکا کنند. به نظر می رسد شیوع ختنه در جوامع توسعه یافته ظرفیت تبدیل آن به یک مد اجتماعی را افزایش داده است. این بعد از ختنه در گفته های برخی از مشارکت کنندگان در پژوهش مشهود بود که از جمله این سخنان می توان به اظهارات شهروندان ایرانی که به پرسشنامه عمومی این پژوهش درباره چرایی ختنه فرزندان شان پاسخ داده اند، اشاره کرد. در اینجا ختنه به مثابه مد اجتماعی متأثر از رویکرد اجتماعی است که در کنار رویکرد پزشکی مسلط، به عمل ختنه کردن در کشورهای به نسبت توسعه یافته تر مشروعیت می بخشد. زنی ایرانی 34 ساله ساکن ترکیه در همین باره چنین می گوید:

من کاری به اینکه می گویند دستور دین هست یا مثلاً از قدیم رایج بوده و اینا ندارم ولی شنیدم که از نظر پزشکی اثبات شده که ختنه کردن سلامتی پسرها رو تضمین می کنه الان تو کشورهای اروپایی و آمریکایی هم دارن تایید می کنن که ختنه خیلی مثبتیه اگه بد بود که تو آمریکا بچه ها رو ختنه نمی کردن.»

علاوه بر مد انگاری ختنه، برخی باورمندان به ختنه معتقدند این عمل باعث زیباتر شدن آلت جنسی مردانه می شود و این باور در افکار عمومی تبدیل به یکی از دلایل تایید ختنه در میان عموم مردم است. از آنجایی که در جهان امروز زیبایی و مد در هم تنیده است و مرز مشخصی بین آنها دیده نمی شود، ختنه در عین حال که به مثابه مد اجتماعی مطرح است، به عنوان زیباسازی آلت هم به این عمل دامن زده می شود و اینچنین است که مورد اقبال کنشگران اجتماعی قرار گرفته است. برای نمونه می توان به سخنان دو تن از زنان مشارکت کننده در این باره اشاره کرد:

«ختنه باعث میشه هم آلت تناسلی مرد زیباتر بشه هم از بیماری های عفونی پیشگیری می کنه.» (زنی 35 از استان کرمانشاه)

«از نظر زیبایی و بهداشتی هم آلت آن‌ها بهتر است و در کل سکس بهتری دارند.» (یک زن ایرانی 36 ساله دانشجو در کلن آلمان)

پزشکی تلاش دارد که تا از طریق تشریح عمل ختنه و اینکه پیامدهای آن قابل درمان و رفع شدن است، اعتماد اذهان اجتماعی را برانگیزد و آن را تقویت کند تا بتواند در مراحل بعدی تبلیغات بواسطه این مشروعیت بخشی با دستاویز پزشکی، با تاثیر اجتماعی بالاتری کنشگران اجتماعی را به این عمل به مثابه یک عمل طبیعی و ضروری و نه برساخته‌ی اجتماعی، ترغیب نماید. توجیهات پزشکی اگر چه عمدتاً از سوی افراد صاحب صلاحیت علمی و از مجاری مشخصی همچون مقالات علمی و پژوهشی در جامعه منتشر می‌شوند اما این گزارشها عمدتاً دست‌مایه تبلیغاتی می‌شود که سعی در پنهان‌سازی اهداف تجاری مراکزی چون کلینیک‌های تخصصی ختنه دارند. این مراکز با استفاده از گزارش‌های علمی و استفاده از اصطلاحاتی چون «مرکز تخصصی ختنه، ختنه بدون درد، کلینیک تخصصی ختنه، کلینیک ختنه نوزادان در تهران، ختنه اطفال، هزینه ختنه در کلینیک» سعی در ترغیب مردم به ختنه فرزندان پسر خود در این مراکز دارند. این عبارات تبلیغاتی که با جستجوی کلمه «ختنه» در گوگل به دست می‌آیند، علاوه بر اینکه از درآمدزایی این کار حکایت دارند، از رقابت تنگاتنگی خبر می‌دهند که در این عرصه وجود دارد. در صفحات اختصاصی پزشکان و کلینیک‌های مذکور مطالبی درباره نکات مثبت ختنه از جمله پیشگیری از ابتلا به ایدز و سرطان آلت تناسلی وجود دارد اما درباره عوارض و پیامدهای منفی یا اطلاع‌رسانی نشده و یا کمتر صحبت می‌شود. این امر نمایانگر رابطه پزشکی با مافیای اقتصادی تبلیغات و گفتمان‌های مسلط بر صنایع فرهنگی/مذهبی است و موید آن است که گفتمان پزشکی از ساختارهای ایدئولوژیکی قدرت متأثر بوده و در همدستی و تعامل با آن کارکردهای خود را تنظیم می‌کنند.

6- رابطه آدمی با بدن خود در دین اسلام

یکی از موضوعاتی که می‌تواند در بررسی رابطه آدمی و بدن وی در اسلام تسهیل‌کننده باشد، آشنایی هرچه بیشتر با «قواعد تسلط و لاضرر» است؛ بنابراین موضوع ختنه را نیز از آنجا که در ردیف احکام امضایی اسلام به شمار می‌رود، می‌توان از این نظر مورد بررسی و تجدید نظر قرار داد.

در فقه، اصول و قواعدی وجود دارد که صریحاً بر تسلط انسان بر مال و جان و ولایتش بر خویش، اعضا و جوارح، اموال و افعالش تأکید دارد (صفایی، سهیلا؛ محمود عباسی و مصطفی محقق داماد، 1393). طبق این قاعده، مردم بر مال خویش مسلط هستند، به‌گونه‌ای که اولاً در اعمال هرگونه تصرف در مال خود آزادند و ثانیاً هیچ‌کس حق ندارد تصرف آنان در مالشان را محدود کند. اما برخی بر این باورند که سیطره سلطنت نه تنها در اموال انسان جاری است، بلکه به دلالت اولویت و مفهوم موافق، بر حقوق و نفس او نیز ثابت است به این معنی که وقتی تصرف در اموال جز با رضایت مالک میسر نیست، تصرف در حقوق و نفس او به طریق اولی مبتنی بر اجازه و رضایت اوست. ادله‌های بسیاری در راستای قاعده تسلط تشریح شده است که در ادامه، برخی از آن‌ها بررسی خواهد شد: یکی از مشهورترین ادله این قاعده همان قاعده عقلانی «الناس مسلطون علی أموالهم و انفسهم» است و برخی از

آن به «الناس مسلطون علی انفسهم» تعبیر کرده‌اند. از دیگر آیاتی که از آن دلالت بر قاعده تسلط نتیجه می‌شود، آیه شش سوره احزاب است: «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک‌تر] است.»^{۱۲} این آیه هرچند در مقام اثبات مقدم بودن پیامبر در ولایت بر مومنان است ولی بدون شک بر ولایت مومنان بر خودشان دلالت دارد، هرچند ولایت پیامبر اولی است (صفایی و همکاران، 1391). در حدیث غدیر، پیامبر اسلام با استناد به همین آیه در مقام مقدمه‌چینی برای طرح ولایت علی و با مفروض دانستن ولایت سلطنت مردم بر نفس خودشان، ولایت خود را بر نفوس مردم اکمل و اشد برمی‌شمارد. از دیگر آیاتی که می‌تواند قاعده تسلط را تصدیق کند آیه 207 سوره بقره است: «از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد»^{۱۳} فروش «نفس» در این آیه- به جهت جلب رضایت خداوند- بر این مطلب دلالت دارد که انسان بر نفس خویش سلطنت دارد (درگاهی، 1395).

از دیگر دلایل این قاعده، سیره عقلاست. بدین معنا که حق اعمال هرگونه تصرف در ملک توسط مالک نزد جمیع عقلا مسلم پذیرفته شده است و بی‌تردید چنین سیره‌ای در زمان معصوم هم جاری و ساری بوده و عدم ردع و منع شارع از این سیره بیانگر امضای شارع مقدس نسبت به این سیره است (طباطبایی، 1386).

در نگاه نخست می‌توان چنین نتیجه گرفت: آدمی بر تمامی اعضاء و جوارح خود تسلط دارد اما این تسلط به نحوی محدود شده است و دامنه این خودمختاری تا جایی است که اصل کرامت انسانی و اصل حفظ حیات و حتی «اصل لاضرر» نادیده گرفته نشود. اصل لاضرر در این بین دلالت بر اصل تسلط بر نفس حاکم است و عقل نیز گواه آن است. خداوند به انسان مومن اجازه خوار کردن خویش و ذلت را نمی‌دهد همان‌گونه که عقل سلیم هم، چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد و در نظام فقهی اسلام نیز انسان اجازه اضرار به خویشتن و یا به دیگران را ندارد. در همین زمینه امام ششم شیعیان گفته است: «خداوند تمام کارهای مؤمن را به خود او واگذار کرده ولی به او اختیار نداده که خود را خوار و ذلیل کند.» (جوکوریه، 1383). و در نهایت آیه 195 سوره بقره «خویشتن را با دست‌های خویش به هلاکت نیندازید»^{۱۴} در مورد نابود کردن و هلاکت نفس است اما می‌توان گفت هلاکت همان تلف کردن و ضرر زدن به نفس است (صفایی، 1394).

در باب ادله وجوبی قاعده لاضرر آیات و روایات متعددی می‌توان تشریح کرد و محدودیت قاعده تسلط بر نفس نیز محدود به اصل لاضرر نبوده و برخی امور دیگر چون ممانعت از خودکشی را نیز شامل می‌شود. از دیدگاه عقلا و هم از ظاهر روایاتی که بر حرمت اضرار به دیگران یا اضرار به خویش دلالت دارند، چنین استنباط می‌شود که تنها ضرر قطعی، مراد نیست، بلکه اگر ضرر مزبور ظنی و حتی کمتر از ظن نیز باشد، باید از آن اجتناب کرد. منظور از

¹² النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِنَكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

¹³ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

¹⁴ وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۚ وَأَحْسِنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

ضرر در اینجا ضرر معتنابه است و مربوط به مواردی است که منفعت آدمی در تراحم با آن قرار نگیرد. فقهای متقدم و متاخر نیز در مواردی به این مطلب اشاره فرموده‌اند از جمله صاحب جواهر الکلام به تصریح می‌گوید: «هر چیزی که احتمال ضرر در آن باشد حرام است.» در هر صورت چیزی که در آن ضرر قابل‌اعتنا وجود دارد، حرام است چه علم به آن باشد یا گمان. این مهم می‌تواند به امور مذهبی از جمله ختنه نیز تعمیم داده شود. وجوب دفع ضرر از خویشان به مفهوم حقوقی از مقوله حکم است و نه حق، یعنی قابل‌تغییر و قابل اسقاط نیست و هیچ‌کس اختیار ضرر به خویش را ندارد. اقدام به ضرر و زیان برای اغراض عقلایی و اهداف مهم‌تر همچنین ضرر و آسیبی که کم و غیر قابل‌اعتنا باشد، بدون اشکال است و عقل و شرع تحمل چنین ضرر و آسیب را منهی نمی‌دانند، مانند زمانی که راه درمان و یا پیشگیری از بیماری که ضرر آن بیشتر و سخت‌تر است، منحصر به تحمل ضرر کمتر باشد. به عبارت دیگر ضرر بزرگ‌تر را باید با تحمل ضرر کمتر دفع کرد. با در نظر گرفتن این مساله و نیز اینکه تاکنون موضع‌گیری مشخصی برای ختنه مردان انجام نشده باید توجه داشت که در امور پزشکی، تشخیص و تعیین میزان ضرر و حدود و ثغور ختنه مردان بر عهده کارشناسان و متخصصان این فن است و وظیفه فقها در این رابطه استنباط احکام کلی شرعی است و تحقیق موضوعات احکام فقهی به عهده متخصصان آن موضوعات است (آصف المحسنی، 1424: 254).

در ادامه و در باب موضوع ختنه لازم است به قاعده عقلایی «الْأَناسُ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» نیز اشاره شود. با فرض فزونی مزایای ختنه نیز نکته دیگری در این بین مطرح می‌شود و آن اینکه هرگز نباید انسانی را جز در موارد خاص و اضطرار (مانند اضرار به دیگران یا خوف تلف شدن نفس) به معالجه و مداوا مجبور کرد که در این صورت اصل لاضرر بر قاعده تسلط حکومت یافته و بیمار را مجبور به معالجه می‌کنند. بیان این دو صورت استثنا بدین‌گونه است: اول آنکه مرض او موجب آزار یا زیان و ضرر به دیگری گردد. در این صورت با اجازه ولی خاص یا ولی عام، او را مجبور به معالجه می‌کنند و حرمت اجبار با قاعده نفی ضرر و ضرار و قاعده نفی حرج و نفی عسر از بین می‌رود. دوم خوف تلف شدن نفس مریض وجود داشته باشد و توضیح آن بدین صورت است که ضرر دارای مراتب سه‌گانه‌ای باشد: 1. تلف نفس و شکی در وجوب معالجه شخص با اجبار و قهر در این مورد در صورت امتناع از معالجه وجود ندارد. 2. بیماری‌های مهم مانند ایدز، سرطان و مانند این‌ها و یا از بین رفتن چشم یا قطع شدن پاها و دست‌ها. شکی نیست که مکلف یا ولی او باید از این وقایع پیشگیری کنند و اگر مکلف یا بیمار از معالجه امتناع نمود اجبار او بر حاکم شرع بعید نیست. 3. اضرار خفیف: هیچ دلیلی بر وجوب اجتناب از آن بر مکلف وجود ندارد تا چه رسد به دیگری، پس حرمت اولیه اجبار او بر معالجه به حال خود باقی است، البته در فرض معالجه اجباری موفقیت معالجه در به دست آمدن بهترین نتایج همراه با کمترین اضرار ممکن ضروری و لازم است (پیشین). در همین رابطه برخی فقها چنین گفته‌اند:

« معالجه اجباری هیچ شخصی جایز نیست به دلیل کرامت انسان و احترام به اراده او و دلیل قاعده عقلایی یاد شده که با عدم منع از سوی شارع مورد امضای شرع قرار گرفته است و همچنین بدین دلیل که تصرف در بدن غیر و مال او بدون اجازه‌اش تعدی بر او است و شرعاً جایز نیست. » (نجفی، 1981).

در اسلام نیز به صراحت دعوت و اجباری به ختنه صورت نگرفته که اگر هم چنین اجباری وجود داشت می بایست با توجه به تحولات امروزین حقوق و آزادی های فردی، این پدیده در زمان کنونی منسوخ یا به اختیار افراد سپرده میشد. اما حسرتا که این مساله با قدرت و قوت توسط نهادهای اجتماعی و مذهبی استمرار یافته و سبب ساز آسیبهای جسمی و روحی زیادی بر پیکر کودکان شده است. می گویند هر سنت بومی که نتواند از طریق گفت و گوی فرهنگها با جریان هم گرایی فرهنگی تطبیق یابد و پیوند بخورد، باید به عنوان سنت کهنه یا غیرقابل بازتولید کنار گذاشته شود و آیا اکنون برای عمل ختنه زمان این حاشیه نشینی و طرد نرسیده است؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که مجتهدین و متشرعین بر مبنای التجاء به همسازی قوانین دین با مقتضیات زمان، خوانش و تفاسیر نوین و انسانگرایانه و خشونت پرهیزی از موازین و آئین ها و اوامر و نواهی دین، به دست مومنین بدهند؟

7- رویکردهای جامعه شناختی در مورد حق بر بدن

موضوع بدن مبحثی است که در اندیشه های پیشامدرن در قالب های مختلف، خصوصا در مباحث دینی و الهیات مسیحی بدان پرداخته شده است. در این اندیشه ها غالبا "بدن" به عنوان عنصری منفی با قابلیت گناه و کجروی نمود پیدا می کند و مانع تعالی روح دانسته می شود. در تفکرات پسامدرنیستی، مدیریت بدن، فردانیت، حق مالکیت بر بدن و پایان دادن خودخواسته به زندگی و حیات جسم از مباحث اساسی مورد طرح محسوب می شوند. بحث راجع به مالکیت انسان نسبت به بدن خویش همیشه با چالش های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی و پزشکی همراه بوده است. از میان دیدگاههای موجود در جامعه شناسی بدن به نظر می رسد رویکرد کالبدی، بر ساخت گرایی و رویکردهای ترکیبی مناسب ترین رویکردهای نظری برای فهم جامعه شناختی یک پدیده متصل به بیولوژی همچون ختنه باشد. در ادامه به ارایه گزارش مختصری از برخی رویکردها پرداخته می شود.

جامعه شناسی بدن حوزه ای است که از نیمه دوم 1980 به صورت جدی توسط میشل فوکو و بعدها برایان ترنر مطرح شد. هدف این حوزه بررسی و مطالعه تاثیر بدن بر جامعه و تاثیر جامعه بر بدن می باشد. مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می داند که ضمن انعکاس ارزشهای فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می بخشد. او روشن می کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می گردد و چگونه به مکانی برای شیوه های رفتاری و اعمال دلالت کننده جامعه تبدیل می شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می شود و شکل می گیرد (فرزانه، 1387) وجود انسانی در بدو امر دارای یک مظهر بدنی است. اعضای مختلف بدن دارای ارزشهای فرهنگی مساوی نیستند و هنجارهای فرهنگی و مذهبی و اجتماعی هر کدام بخشهای متفاوتی از اجزای بدن را عرصه هدفگذاری خود قرار می دهند، مثلا صورت و چهره بیش از هر عضو دیگری از منظر هنجارهای اجتماعی و دینی محل تمرکز ارزشهاست، احساس هویت شخص بیش از هر عضو دیگر در صورت متجلی است. یا آلت تناسلی محل تمرکز ارزشها و هنجارهای دینی و اجتماعی و حقوقی است (محسنی، 1376) که

از این میان ختنه بعنوان بخشی از دستگاه تناسلی، محل مناقشه نهادهای متعددی است و انسان هنجارمند در این میانه مرکز کشاکش ها و تصمیم سازیها قرار گرفته است.

انسان شناسانی چون ایولین رید و مارگارت مید هم‌نوا با میشل فوکو معتقدند که پیکر و کالبد انسانی صرفاً یک مقوله زیست شناختی و یا پزشکی نیست بلکه آنزمان که در عرصه تعاملات و زندگی جمعی قرار گرفت و پا به میدان اجتماع نهاد از ابعاد اقتصادی، مذهبی، هنری، سیاسی، حقوقی، نظامی، فرهنگی، طبقاتی، جنسیتی و... مورد ارزیابی قرار می گیرد از جمله در بعد اجتماعی عرصه تبعیض های جنسیتی و نژادی و طبقاتی، از منظر سیاسی و حقوقی عرصه اعتراض، شکنجه، اعدام...، از منظر هنری عرصه آرایش، نقش و نگار و تزئین های آئینی، از منظر پزشکی عرصه معاینات و اعمال جراحی های ضروری و یا غیر لازم زیبایی شناختی، از بعد نظامی عرصه جنگ و قدرت جنگاوری و جانفشانی، از بعد اقتصادی در معرض کار و بیگاری، از منظر دینی عرصه عبادت و شهادت و انجام مناسک دینی و امر به معروف و... از بعد فرهنگی نماد و نشان رسوم و باورها و سبک زندگی و ...

علی‌رغم واقعیت‌های نظری فوق، با عنایت به نقش اساسی آگاهی و زبان، به عنوان مؤلفه‌های جسمانی کنترل اجتماعی، می‌توان تحلیل مارکس دربارهٔ تابعیت بدن‌های طبقه کارگر از ماشین، در فرایند گسترش فناوری مربوط به سرمایه داری و چگونگی عقلانی سازی بدن در نظام‌های دیوان سالار، نظیر آنچه در تحلیل‌های ماکس وبر آمده است را از مصادیق توجه غیرمستقیم به بدن در نظریه‌پردازی کلاسیک جامعه‌شناسی دانست. همزمان با چالش‌های فراروی ایده «افتراق طبیعت و جامعه» از سوی علم جامعه‌شناسی، نظریه‌پردازان اجتماعی بدن را از یک سو، نسبت به «کنشگر انسانی» و از سوی دیگر، در ارتباط با «رویه‌های جامعه شناختی» مفهوم سازی کردند (فاتحی و اخلاصی، 1389).

پس از قرن 19 و پیوند رژیم غذایی و علوم تغذیه ای، عقلانی سازی بدن در ارتباط با علم بشر قرار گرفت. در عقلانی سازی به شیوهٔ مدرن، بدن پدیده ای «عمیقاً جنسیتی» فرض می‌شود که باید متناسب با کارآیی وجوه نظام‌های اجتماعی جدید سازمان دهی شود. نظام‌های دیوان سالار از عوامل مؤثر در کنترل بدن، به منظور تعیین چگونگی کیفیت یا کمیت کار روی بدن، فارغ از نیازهای بدنی کارکنان هستند. سازمان‌های بروکراتیک، بدن‌های زنان را در مقایسه با بدن‌های مردان، در کنترل بیشتری قرار می‌دهند؛ زیرا از زنان انتظار می‌رود با مدیریت قاعدگی، بارداری و یائسگی، آنها را پنهان نگه دارند. نظام‌های جهانی، در مدرنیته متأخر، افراد را خارج از موقعیت اجتماعی آنها در معرض خطرات تکنولوژیکی و محیطی روز افزون قرار می‌دهند و زمینه «جهانی شدن بدن» را فراهم می‌آورند (Turner, 1987: 123).

در ساخت گرایی اجتماعی بدن شامل معانی اجتماعی است که از سوی جامعه محدود و ابداع می‌گردد. وجه مشترک نحله‌های ساختارگرایی، مخالفت با تحلیل بدن به عنوان پدیده زیست شناختی است. از نظر گافمن، موقعیت‌های اجتماعی تدارک دهنده «تئاتری طبیعی» هستند که نمایش‌های بدنی در آن اجرا و تفسیر

می‌شود. گافمن با طرح اصطلاح «نمایش دادن خود» و بررسی کنش متقابل اجتماعی بر حسب «پشت صحنه»، «روی صحنه»، «فضای خصوصی» و «فضای عمومی» متناظر با آنها، به کندو کاو در «جسمانیت» می‌پردازد. از نگاه وی، عاملان بدنی با توسل به روش‌های علامت دهی اجتماعی، سعی در جلب نظر دیگران به خود دارند. این عاملان بدنی معرف‌های «تجسد یافته» منش و منزلت اند که توسط کنش‌گران دیگر تفسیر می‌گردند (Turner, 1987: 123). از نظر فوکو «روابط قدرت»، نوعی چسبیدگی بلافصل با بدن دارند، به گونه ای که بدن همواره مورد «سرمایه گذاری»، «نشانه‌گذاری» و «تربیت» قرار می‌گیرد و برای «انجام وظایف»، «شرکت در مناسک» و «ساطع کردن انواع نشانه‌ها» تحت فشار قرار می‌گیرد. هم چنین، «راهبردهای خود» به روش‌هایی اطلاق می‌شود که افراد از طریق آن برای رسیدن به حس رضایت روی بدن‌های خود کار می‌کنند و افراد تحت تأثیر گفتمان‌های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بدن‌های خود را از آنها متأثر می‌سازند. «خود»‌های برساخته اجتماع، «بدنی‌شده» و «متجسد» هستند که از طریق روش‌های دسته‌بندی، مدیریت بدن و به انضباط کشیدن آن حاصل می‌گردد. ویژگی‌های ظاهری بدن، به افراد قدرت چانه زنی می‌بخشد و افراد از آن برای سرمایه گذاری استفاده می‌کنند (ذکایی، 1386: 124). بدن در جریان «قدرت» به صورت گفتمان، از نو تولید و نهادینه می‌شود. «دانش - قدرت» فرایندی را بنیان می‌نهد که از طریق آن خود بدن، خودش را به عنوان «ابژه» شناسایی می‌کند. «خود نظارتی» فرایندی است که در آن «سوژه‌ها» به عنوان اعضای فعال و آگاه، با مفاهیمی چون «سلامت عمومی» تن به آزمایشات پزشکی می‌دهند. در این حالت، مرز بین مفاهیم خصوصی و عمومی خدشه دار می‌شود. سلامت فرد، مسئله ای شخصی نیست، بلکه امری اجتماعی است که نهادهای بسیاری موظف به نظارت بر آن هستند. افراد به عنوان شهروندان مدنی و یا مطیع، نه تنها در برابر این نظارت‌ها مقاومت نمی‌کنند، بلکه آگاهانه به آنها تن می‌دهند. فوکو هدف این تلاش‌ها را «نظارت بر بدن» می‌داند. (netelton, 1998: 78).

مری داگلاس بدن را یک متن فرهنگی می‌داند که ضمن انعکاس ارزشهای فرهنگی و اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد. او روشن می‌کند که بدن در یک فرهنگ خاص چگونه بازنمایی می‌گردد و چگونه به مکانی برای شیوه‌های رفتاری و اعمال دلالت‌کننده جامعه تبدیل می‌شود. داگلاس معتقد است که پیکره اجتماعی، نحوه درک بدن فیزیکی را مقید می‌کند و آنچه از خلال کنش پیکر اجتماعی با بدن فیزیکی حاصل می‌شود در بدن به عنوان یک رسانه محدود ابراز می‌شود. از نظر او بدن طبیعی ما توسط قوانین جامعه محدود می‌شود و شکل می‌گیرد. (فرزانه، 1387) وی بر چگونگی «گره خوردن نهادها در ساخت‌های تشبیه شده به بدن تأکید می‌کند و کارکردهای اجتماعی نهادها را در ارتباط با «مدیریت اخلاقی بدن» و باز تولید آن می‌داند. علی‌رغم اشتراک بدنی انسان‌ها، شرایط اجتماعی و نمادهای مبتنی بر بدن، که برای بیان تجربه‌های اجتماعی گوناگون به کار می‌روند، با هم متفاوت است. داگلاس بدن را نمادی از جامعه می‌داند. او ضمن بیان این که بدن مستعد ترین تصویر قابل دسترس از نظام اجتماعی است، وجود شباهت‌های میان ایده‌های رایج درباره بدن و عقاید مرسوم درباره جامعه را مورد تصریح قرار می‌دهد. گروه‌های گوناگون در جامعه، رویکردهایی را درباره بدن می‌پذیرند که با پایگاه اجتماعی آنها هم خوانی دارد. (فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، 1389) از این روی

«هر انسانی در حالت نمادین از دو بدن برخوردار است؛ بدن فردی (جسمی و روانی) که با تولد او شکل می گیرد و بدن اجتماعی که در طول زندگی و رشد در یک اجتماع خاص و فرهنگ ویژه پا به منصف ظهور می گذارد» (هلمن، 2007). بنابراین تصور از بدن، خارج از جامعه وجود ندارد و از آنجا که مبنای معرفت بشر نسل به نسل تغییر می کند؛ تصور از بدن نیز همسو با تغییرات اجتماعی در تطور است.

8- رویکرد حقوقی به مقوله حق بر بدن

رویکرد حقوقی رویکرد نسبتاً جدیدی است که پس از انتشار کنوانسیونهایی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و به ویژه کنوانسیون جهانی حقوق کودک امکان گفتگو درباره آن فراهم می شود. در پرتو چنین کنوانسیونهایی است که ایده هایی چون «حق بر بدن» معنادار می شوند و خود تبدیل به شاخص هایی برای بررسی انتقادی قوانین داخلی کشورها می شوند و از اینجاست که ارتباط بین اندام جنسی و هویت مذهبی¹⁵، مفهوم حق بر بدن را مخدوش می سازد. از منظر فلسفه اخلاق و حقوق کودکان اساساً قطع کردن و بریدن یک بخشی از بدن کودک در تضاد با حقوق کودک است و اگر هم ختنه، عمل لازمی باشد، می بایست فرد در بزرگسالی درباره آن تصمیم بگیرد و پدر و مادر حق اینکه چنین تصمیمی برای او بگیرند و چنین تغییر بنیادینی در بدن او ایجاد کنند را ندارند. در این بخش به بررسی جایگاه حق بر بدن در قوانین جمهوری اسلامی ایران و کنوانسیون های بین المللی مرتبط پرداخته می شود.

چنانکه پیشتر آمد، یک رسم، که به روایت تورات پیمانی میان ابراهیم و خدایش بود، باعث شده حدود یک چهارم تا یک سوم مردان در جهان، امروزه بخشی از آلت تناسلی خود را از دست بدهند، بدون آن که دلیلش را بدانند یا در این تصمیم، کوچکترین مشارکتی داشته باشند. آیا این عمل، ناقص سازی بدن و کودک آزاری به شمار نمی رود؟

همه ی انسان ها حق دارند درباره ی بدن خویش تصمیم بگیرند. از زمانی که کسب آزادی های فردی و اجتماعی از عرصه ی نظری وارد سیاست دولت ها و قوانین ملی و بین المللی حقوق بشر شده است، به تدریج مفهوم تسلط و مالکیت بر بدن نیز وارد ادبیات حقوقی گردید. در برداشت سنتی از حق امکان فرض تسلط مطلق انسان بر تمامیت جسمانی خودش به سبب این که بدن انسان، مال محسوب نمی گردد؛ ممکن نبود. اما از آنجایی که حق مالکیت بر بدن از حق مالکیت بر اشیاء در مفهوم عام خود متفاوت است، رابطه ی انسان با بدن خود شباهتی با رابطه ی انسان با اموالش ندارد؛ در نتیجه ضرورتی ندارد به دنبال یک مال عینی باشیم تا ارتباط مالکیت بین تن انسان با خود انسان تعریف پذیر شود. بدین سبب می توان گفت انسان بدون بدنش تعریف نمی شود و بدن انسان و تصمیمات انسان درباره ی آن از یکدیگر تفکیک ناپذیرند؛ حق آزادی فردی نیز بدون تسلط انسان بر بدنش قابل درک نیست. در نتیجه حق مالکیت بر بدن در زمره ی حق بر آزادی و امنیت شخصی تعبیر می شود. با پذیرش این اصل بلامنازع

¹⁵ برای مثال در دستورات فقهی و از دیدگاه شیعه روایاتی رسیده که برای صحت انجام یک سری مناسک حج، شخص باید حتماً مختون باشد و اگر نباشد طواف نساء که در حج تمتع انجام می شود باطل و حرام خواهد بود.

که انسان از حق آزادی و امنیت شخصی برخوردار است، این حق او را قادر می‌سازد تا از یک طرف از بردگی، تبعیضات ناروا، شکنجه و مجازات‌های غیر انسانی مصون بماند و از طرفی دیگر به او این امکان را خواهد داد تا بر سرنوشت خود تسلط کامل داشته باشد. بدون استیلاي شخص بر تمامیت جسمانی و روانی خود حق بر آزادی و امنیت شخصی او تامین نخواهد گشت (رئیزی، 1396).

یکی از گرانیگاه‌های جهان جدید، عبور از اضطراب شکستن تابوهایی است که بنام امامان و پیامبران به جماعت مومن برای رسیدن به رویکرد حق و حقوق القاء شده است. برخی مومنان از این توانمندی برخوردار نیستند که بدانند آیا حق و حقوق کودک در اینجا رعایت می‌شود یا نه؟ چرا که حق و حقوق را منتج از درست و غلط و مستحب و واجب فرض می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که به صلاح کودک است که ختنه شود چرا که حق و حقوقش اینچنین حکم می‌کند. گویی مذهبی‌ها به حق و حقوق به معنای مستقل کمتر می‌اندیشند. چنین رفتاری نقض آشکار حقوق کودکان است. سوراخ کردن گوش دختران یا هر نوع تغییر غیرضروری در بدن و روان کودک، ساقط کردن حقوق اساسی آنهاست که ممکن است به صورت ناخواسته آینده آنها را تغییر داده و امکان انتخاب‌های متفاوت را از آنها سلب کند. در مذاهب، جای خاصی برای حقوق و هویت فردی کودکان که در فرایند رشد کسب میشود؛ دیده نشده است. طبق مفهوم حق بر بدن، مذهبی‌ها حق ختنه خود را دارند چون طبق باورشان، سنتی است که ضرورت مذهبی برای آن قائل‌اند ولی فقط برای خودشان وقتی بالغند نه برای کودکانشان.

اکنون مسئله اساسی، "کودکان" هستند و باید حقوق آنها را دست کم در سطح اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخت و همه باورها و داوری‌ها را محاط به این حقوق کرد و پذیرفت که کودکان قبل از اینکه به سن بلوغ برسند نباید از سر عصبیت‌های قومی و مذهبی، داغ مذهب به پیشانی آنها زد یا هویت مذهبی مشخصی برای آنها تراشید (کرمی، 1397). همچنین از آنجا که ختنه نوعی عمل بی‌بازگشت است و کودک هرگز نخواهد توانست در سن بلوغ حس عصب‌های قطع شده را با جراحی بازگرداند، می‌توان برای تضمین حقوق انسان‌ها، در برابر انجام آن مقاومت کرد و با تلاش برای غیرقانونی کردن ختنه کودکان، از ناقص‌سازی آنان تا رسیدن به سن بلوغ و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری، جلوگیری کرد. البته با توجه به هژمونی دین و سنت، رسیدن به این مرحله، چالش برانگیز و زمانبر خواهد بود.

1-8- حق بر سلامت در قوانین جمهوری اسلامی ایران

در قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای به عمل ختنه پسران و اساساً قانونی یا غیرقانونی بودن عمل ختنه نشده است و نمی‌توان آن را در قالب قوانین، بررسی کرد و خواهان اصلاح آن شد. اما ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی‌علیه کسی که جرم بر او واقع شده می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی قصاص نماید. اما از آنجا که ختنه عملی شرعی و از فقه گرفته شده است بسیاری آن را برای پسران واجب و از شرایط اسلام و مسلمانی می‌دانند و برخی از فقها نیز آن را امری مستحب می‌دانند که

انجام دادنش بهتر از انجام ندادنش است. البته در مورد ختنه دختران، نظر بیشتر فقها بر استحباب این عمل است. بر این اساس و با توجه به اینکه قوانین جمهوری اسلامی، ریشه شرعی دارند و بر اساس همین قوانین، پدر و جد پدری به قدری بر جان و مال فرزندان تسلط دارند که حتی در صورت قتل فرزند، از مجازات مقرر در قوانین جزائی که برای قتل همانا قصاص است، معاف می‌شوند، چگونه می‌توان به بحث مسئولیت کیفری پدر در خصوص ختنه و آزار جسمی و روانی فرزندش پرداخت؟ پدران، شرعاً تکلیف دارند که رسم مسلمانی را به‌جا آورده و به موقع اقدام به ختنه پسران خود نمایند (پراکند، 2018).

با توجه به اینکه ایران به کنوانسیون‌هایی از قبیل میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است می‌توان چنین نتیجه گرفت که این کشور حق بر سلامت را به رسمیت شناخته است و علاوه این‌ها در قوانین و مقررات داخلی نیز موارد متعددی در خصوص سلامت و اقداماتی در جهت بهبود آن برای مردم وجود دارد. با توجه به تاکید حق بر سلامت در قانون اساسی ایران، سند چشم‌انداز 20 ساله، فصل هفتم برنامه چهارم توسعه، قوانین مربوط به بیمه و مواد 32 تا 35 قانون برنامه پنجم توسعه، در این بخش جایگاه حق بر سلامت در قانون اساسی کشور و موارد مرتبط با ختنه بررسی خواهد شد.

— بند دوازدهم اصل سوم: «دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد. در یکی از امور یاد شده ذیل بند دوازدهم چنین آمده است: "پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه."

— بند دو اصل بیست و یکم: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد.» که از مصادیق این حق بر سلامت می‌توان به «حمایت مادران، بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست» اشاره دارد.

— اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

— بند نخست اصل چهل و سوم: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود» که در بند نخست چنین نگاشته شده است: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.»

با توجه به تأکیدات یاد شده مبنی بر حق بر سلامت به نظر می‌رسد ایران قوانینی دارد که می‌توان بر اساس آن‌ها مثله کردن بدن را به شکل قانونی تحت پیگرد قرار داد و مجازات کرد. اما در مورد ختنه مردان از آنجا که به‌عنوان یکی از دستورات دینی و لازمه فرهنگی به شمار می‌رود نه تنها جرم‌انگاری نشده که مورد حمایت نیز قرار گرفته است.

در حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات و به‌طور کلی اصول 36، 37، 166، 167، 169 قانون اساسی ایران و مواد 2 و 11 قانون مجازات اسلامی، دادگاه‌ها را مکلف می‌کند که قانون را اساس رسیدگی و صدور حکم قرار دهند؛ بنابراین مراجع انتظامی و قضایی نمی‌توانند [به مانند قانون آیین دادرسی مدنی] به استناد عرف، فعل یا ترک فعلی را جرم بدانند و یا کیفری را بر طبق عرف مورد حکم قرار دهند. به بیانی دیگر اگر مشکلات مطرح شده در فرآیند ختنه کردن و یا آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آن جرم‌انگاری نشده باشد، قانونگذار امکان پیگیری و حکم دادن پیرامون موضوع مطروحه را نمی‌تواند داشته باشد؛ اما نباید از یاد برد که حقوق آدمی برای اجرایی شدن و مؤثر بودن بایستی قابلیت دادخواهی داشته باشند به این معنا که صاحبان حق بتوانند در صورتی که دولت یا سازمان‌های مربوطه به وظایفشان عمل نکردند به مراجع قضایی مراجعه، اقامه دعوی و درخواست غرامت و جبران کنند.

با توجه به الحاق میثاق حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ایران در سال 1976 میلادی، ایران موظف است حقوق موضوعه این میثاق را با استفاده از تمامی امکانات و بدون هرگونه تبعیضی برای آحاد جامعه خود تأمین کند.

آیا ختنه کودکان توسط والدین امری قانونی به شمار می‌رود یا این امکان وجود دارد که فرد در بزرگسالی والدین خود را در همین راستا بازخواست کرده و مطالبه دیه کند؟

در ماده 158 قانون مجازات اسلامی نیز چنین آمده است: «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست» که در ادامه و در بند ج چنین نگاشته شده است: «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود، در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.»

بر اساس بند ج ماده 158 قانون مجازات اسلامی می‌توان چنین گفت که ختنه کنندگان سنتی که بعضاً در مناطق دور افتاده و صعب‌العبور بدون بهره‌مندی از موازین فنی و علمی و نظامات دولتی به فعالیت می‌پردازند، شامل این استثناء نبوده و مشمول مجازات می‌باشند.

در باب مجازات مورد اشاره نیز که به حوزه دیات مرتبط است علاوه بر ماده 662 که مورد اشاره کارشناسان حقوقی بوده، ماده 663 قانون مجازات اسلامی به همین مهم پرداخته:

– ماده 662- قطع و از بین بردن اندام تناسلی مرد تا ختنه‌گاه و یا بیشتر از آن، موجب دیه کامل است و در کمتر از ختنه‌گاه به نسبت ختنه‌گاه محاسبه و به همان نسبت دیه پرداخت می‌شود.

تبصره 1- در این حکم تفاوتی بین اندام کودک، جوان، پیر، عقیم و شخصی که دارای بیضه سالم یا معیوب یا فاقد بیضه است، وجود ندارد.

تبصره 2- هرگاه با یک ضربه تا ختنه‌گاه از بین برود و سپس مرتکب یا شخص دیگری باقیمانده یا قسمتی دیگر از اندام تناسلی را از بین ببرد، نسبت به ختنه‌گاه، دیه کامل و در مقدار بیشتر، ارزش ثابت است.

تبصره 3- هرگاه قسمتی از ختنه‌گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه‌گاه را شخص دیگری قطع کند، هر یک به نسبت مساحتی که از ختنه‌گاه قطع کرده‌اند، ضامن می‌باشند و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه‌گاه را قطع کند و دیگری باقیمانده ختنه‌گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند، نسبت به جنایت اول، دیه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه‌گاه و نسبت به جنایت دوم، بقیه دیه و ارزش مقدار زائد قطع شده از اندام تناسلی ثابت است.

– ماده 663- قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک‌سوم دیه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دو سوم دیه کامل است لکن در قطع اندام عتین ثلث دیه کامل ثابت است.

تبصره - قطع قسمتی از اندام فلج به نسبت تمام اندام تناسلی، خواه قسمت مقطوع ختنه‌گاه باشد خواه غیر آن هر عملی که مخل رضایت از رابطه جنسی باشد به وضوح با ذات اسلام در تعارض است. بنا به کتاب الفقه المنهجي علی مذهب الامام شافعی که کتابی است در زمینه فقه اسلامی:

«اینکه زنان و مردان توان رابطه جنسی داشته و از آن لذت ببرند موهبتی است که از جانب خداوند اعطا شده است. این توان یکی از قوی‌ترین غرایز در حیوانات است. طبق قوانین اسلامی توان لذت بردن از رابطه جنسی یکی از اهداف مهم است؛ بنابراین، این توان از جمله حقوق اولیه همه انسان‌هاست» (الخن، 1413 ه ق).

از همین روی دور از انتظار نیست که این مهم در قوانین مصوبه جمهوری اسلامی ایران نیز موردتوجه قرار گرفته باشد برای نمونه در فصل نکاح و طلاق در بخش موارد فسخ نکاح در بند سوم ماده 1122 مقطوع بودن آلت تناسلی در مرد به‌اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد؛ موجب حق فسخ برای زن قرار داده شده است.

– بر اساس ماده 647 دیه شکستن ستون فقرات شرح داده شده است که در بند ب آن چنین نگاشته شده است: «شکستن ستون فقرات که بی‌عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.»

- ماده 706- از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب ارش است.

__ ماده 707- از بین بردن کامل قدرت مقاربت، موجب ديه کامل است.

در صورتی که عمل ختنه مطابق با موازین فنی و علمی و نظامات دولتی رخ داده اما جراحاتی را در پی داشته باشد، بر اساس ماده 495 قانون مجازات اسلامی خواهیم داشت:

«هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن ديه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.»

نکته حائز اهمیت در این بین تبصره نخست این ماده است که مدعی شده در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت أخذ نکرده باشد.

2-8- کنوانسیون بین المللی حقوق کودک

توجه به حقوق کودکان از آن حیث که اقلیتی آسیب‌پذیر بوده، توانایی دفاع از خود، درک برخی از فعالیت‌ها و توانایی ابراز رضایت آگاهانه را دارا نمی‌باشند، حائز اهمیت است. نباید از یاد برد که برخورداری کودک از حق سلامت بر برخورداری از سایر حقوقش هم تاثیر می‌گذارد و هم تاثیر می‌پذیرد. اگر فردی در کودکی در معرض آزار و اذیت جسمی قرار گیرد و به سلامت جسمی‌اش آسیبی وارد آید ممکن است از حضور در مدرسه و حق آموزش خود مدتی محروم ماند، به همین اندازه اگر دیگر حقوق کودک مانند رهایی از خشونت رعایت نشود مستقیماً بر حق کودک بر سلامت اثر خواهد گذاشت. اما باید توجه داشت که پیشامدهای این صدمات جسمی و روحی محدود به کودک نبوده و می‌تواند جامعه پیرامونی وی را نیز متأثر سازد که از آن جمله می‌توان به فرار از خانه، مبادرت به جرائم جنسی، خشونت علیه کودکان و همسر و ... نیز اشاره کرد.

متأسفانه کنوانسیون حقوق کودک که از جمله مهم‌ترین اسناد حمایتی در حوزه حقوق کودکان می‌باشد خشونت را تعریف نکرده است و تنها در ماده 9 به ذکر مصادیق آن پرداخته است اما به طور کل یکی از کلید واژه‌های حائز اهمیت در تعریف خشونت، اعمال زور است امری که در این پژوهش به واسطه خاطرات ذکر شده از سوی مصاحبه شونده‌گان با دنبال شدن توسط سایرین برای گرفتن کودک ختنه نشده و یا گرفتن پاهای و ... نیز آمده است. ماده 58 قانون کودکان 2004 انگلستان نیز شرحی جالب‌توجه از میزان مجاز تنبیهات به دست می‌دهد که می‌تواند به صورت تعمیم‌یافته‌تری به صدمه تحمیل شده از سوی بزرگسالان بر کودک و به طور خاص ذیل بحث ختنه مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس این ماده قانونی هر صدمه از طرف پدر و مادر یا فردی به عنوان ولی یا قیم کودک

که بر وی وارد شود و میزان آن بیشتر از قرمزی پوست باشد و یا آسیب وارد شده بیشتر از آسیب گذرا و جدی باشد تنبیهی غیر مجاز محسوب می شود.

بر اساس بند 3 ماده 24 این کنوانسیون کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن روش معالجاتی سنتی و خرافی در مورد بهداشت کودکان به عمل خواهند آورد. ماده 39 این کنوانسیون نیز بر این مهم تأکید دارد که کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودکانی که قربانی بی توجهی، استثمار، سوءاستفاده، شکنجه یا سایر اعمال خشونت آمیز، غیرانسانی و تحقیرکننده یا جنگ بوده است، به عمل خواهند آورد. این روند بهبودی و پیوستن مجدد به جامعه می بایست در محیطی که موجب سلامت، اتکای نفس و احترام کودک شود، انجام گیرد.

با توجه به مصوبات بالا سؤالی که مطرح می شود این است که در مقابل ختنه چه سیاستی باید اتخاذ شود؟ نکته حائز اهمیت در باب ختنه آنجاست که فارغ از فزونی انجام این عمل مزایا یا پیامدهای آن، در تحقیقات متعددی آسیب های جسمانی و روانی این عمل کهن به اثبات رسیده است اما مشخص نیست که چه رویکردی نسبت به آن باید اتخاذ شود. آیا با تأیید پزشکان مبنی بر فزونی مزایای ختنه نسبت به پیامدهای آن می توان نسبت به آسیب های جسمانی و روانی ختنه چشم پوشید و آن را به عنوان خشونت علیه کودکان پسر قلمداد نکرد؟

نکته ای که در این راستا نباید از نظر مغفول بماند مفهوم کودکی بر اساس تعاریف و اسناد بین المللی است؛ ماده یک کنوانسیون جهانی حقوق کودک، هر فرد زیر 18 سال فارغ از اینکه در کدام نقطه جغرافیایی زندگی می کند و چه مذهب و نژاد و ملیتی دارد، کودک محسوب می شود و دولت های امضا کننده کنوانسیون حقوق بشر متعهد شده اند سلامت جسم و روح کودکان را تضمین کرده و با هرگونه آسیب رساندن به آنها مبارزه کنند، با توجه به این کنوانسیون و دیگر اسناد حقوق بشری، مصادیق خشونت علیه کودکان در همه جای دنیا یکسان است و فعالان حقوق کودک ختنه را به عنوان یکی از این مصادیق بر شمرده اند.

اساسنامه حقوق بشر در مواردی از این دست، مفاد قانونی زیر را عنوان کرده است (گاتارد، 2003: 76):

ماده 3: ممنوعیت شکنجه: هیچ انسانی نباید مورد شکنجه، تحقیر، درمان تحقیرآمیز و تنبیه قرار بگیرد.

ماده 8: حق احترام به زندگی شخصی و حقوقی: هر انسانی این حق را داراست که زندگی خصوصی، فامیلی و روابطش محترم شمرده شود. هیچ دخالتی از سوی نهادهای دولتی نباید وجود داشته باشد مگر بنا به شرایط خاص ... در راستای محافظت از سلامت و اخلاقیات و محافظت از حق یا آزادی سایرین.

ماده 9: آزادی اندیشه، آگاهی و مذهب: تمامی افراد از حق آزادی اندیشه، آگاهی و دین بهره مند می باشند، این حق شامل آزادی در تغییر دین یا باورها آدمی و آزاد بودن در حفظ دین یا باور خود، انجام عبادات، تدریس، تمرین و رعایت است خواه به تنهایی و خواه در جامعه با دیگران، خواه در انتظار عمومی یا خلوت خویشتن.

در باب ماده سوم چنین در نظر بگیرید که ختنه همراه با درد باشد (دردی که از عدم استفاده از بی‌حسی‌های محلی و مناسب نشات گرفته باشد) و مهم‌تر از آن کودک خواستار یا به دنبال رخداد این امر نبوده کما اینکه کودک نوزاد است. در باب ماده هشتم که از حق زندگی شخصی حمایت می‌کند؛ به بیانی ساده، برای فردی که بدون اختیار کودک را همراهی کرده و عملی را انجام می‌دهد که درد را تحمیل کرده و دارای فواید کوتاه‌مدت آشکار نیست به طور بالقوه به نقض آزادی می‌انجامد. متعاقباً حفاظت از زندگی خانوادگی نیز به طور مشخص مشروط به پذیرش یا رد کودک توسط جامعه مذهبی یا نژادی خاص شده است. کارکردی مشابه را نیز در وصف ماده نهم در نظر بگیرید که ممکن است ختنه پیش‌نیازی برای عضویت جوامعی مشخص (مانند مسلمانان و یهودیان) باشد که بر روی کودک اعمال می‌شود ... کودک ممکن است عضویت خود را در جامعه مذهبی یا نژادی نپذیرد. به نظر می‌رسد هرگونه پیمان نادرست به زمانی بازگردد که به وقوع پیوسته باشد. نه تنها هنجارهای جامعه‌ای خاص بلکه ضرورت پذیرش شخص در آن بر خانواده تأثیرگذار است.

بر اساس ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر: احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده 7 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر این مهم تأکید دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص، تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

برخی چنین استدلال کرده‌اند که از آنجایی که ختنه حتی با وجود بهره‌مندی از تکنیک‌های کنترل درد مانند مسدود ساختن عصب‌های آلت جنسی و کرم‌های بی‌حسی ذاتاً عملی دردناک است، در نتیجه نوعی از شکنجه به شمار می‌رود. از منظر این گروه از منتقدین از آنجایی که نوزادان قشری آسیب‌پذیر بوده و امکان بیان درد را دارا نمی‌باشند، ختنه به‌عنوان نوعی از شکنجه به شمار می‌آید به مانند هر عملی که درد یا رنجی سهمگین، خواه جسمانی و خواه روانی را عائدانه بر فردی تحمیل کرده و یا بنا به دلایل تبعیض‌آمیز اعمال شده باشد (ساردی، 2011).

شورای اروپا در سال 1997 در طراحی کنوانسیون توفیق حاصل کرد که به زیست پزشکی مربوط است؛ این کنوانسیون با پرداختن به قواعد مربوط به رضایت بیمار برای مراقبت بهداشتی، حمایت از زندگی خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات، مداخله‌های ژنتیکی در انسان، تبعیض، حمایت از اشخاص درگیر در پژوهش‌های علمی، خارج کردن ارگان و بافت زیستی و اهداء عضو بدن انسان ادامه پیدا می‌کند. اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون بر ممنوع کردن «هرگونه مداخله‌ای که درصدد خلق انسانی باشد که از لحاظ ژنتیکی به انسان دیگر اعم از زنده یا مرده شبیه است» مبتنی است. با توجه به اینکه از ختنه در قرآن یادی نشده و صرفاً به‌عنوان سنتی که پیامبر و یا عهدی میان ابراهیم و خداوند یاد می‌شود، ختنه گرچه نوعی تغییر ژنتیکی به شمار نمی‌رود اما نوعی پیروی

از سنت یا راه پیامبران و امامانی است که امروز در قید حیات نیستند علی‌الخصوص که این پیروی و نشانه‌گذاری عمدتاً در زمانی رخ می‌دهد که افراد از امکان اعمال نظر و اظهار رضایت برخوردار نیستند.

بر اساس ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود، این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده همچنین آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حق به تنهایی یا گروهی به شکل خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.»

اگر یهودیان بر این باور باشند که ختنه مردان با هویت یهودی مرتبط است (ختنه شدن نشانه‌ای از عهد مرد یهودی با خداوند بوده و او را یهودی می‌سازد) در نتیجه باید از حق ختنه کردن نوزادان یهودیان که خود نقض حق آزادی تغییر مذهب و اجرای مراسم دینی است؛ ممانعت کرد. به بیان دیگر ختنه به مثابه نشانه‌ای دینی - مذهبی در دورانی که کودک هیچ‌گونه قدرت اختیاری نداشته بیشتر به تحمیل دین یا عقیده‌ای خاص می‌نماید تا پذیرش آن. از آنجایی که کودکان توانایی ابراز رضایت آگاهانه به اعمالی چون ختنه را دارا نمی‌باشند وضعیت آنان به عنوان افراد آسیب‌پذیر چنین ایجاب می‌کند که در مقابل این عمل ایستادگی شود.

برخی نیز عملکرد والدین در تصمیم‌گیری مبنی بر انجام عمل ختنه بر روی فرزند خود را نقض حق کودک بر بدن خود دانسته‌اند. در پاسخ به این انتقاد نظرگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر ما بخواهیم ختنه را ناقض حق کودک بر بدن بدانیم، مشکل اساسی در حق نظارت والدین بر فرزندان به وجود خواهد آمد. با قبول این استدلال که ختنه ناقض حق کودک بر بدن است، در واقع راه تصمیم‌گیری والدین برای هرگونه عمل جراحی فرزندان را می‌بندیم. این موضوع حتی می‌تواند تا دیگر موارد مربوط به کودک مانند تحصیل او نیز تسری یابد. کودک ممکن است بعد از رسیدن به بلوغ به والدین خود اعتراض کند که چرا مرا به مدرسه فرستادید؟ من موافق این کار نبودم. درحالی که او در آن سن، توان تصمیم‌گیری در این زمینه را نداشته است؛ بنابراین می‌توان گفت تسری دادن حق کودک بر بدن به موضوع ختنه می‌تواند به طور غیرمستقیم به سلب اختیار کلی والدین بر فرزندان بینجامد. در این صورت بنیادی‌ترین نیازهای کودک یعنی سلامت او نیز در خطر قرار خواهد گرفت. می‌توان برای رعایت هر چه بهتر حق کودک بر بدن خود، این کار را در سنی انجام داد که او به درجه‌ای از عقلانیت رسیده باشد که خودش هم در تصمیم‌گیری سهمیم باشد. این کار را می‌توان از نظر حقوقی انجام داد ولی قانونی کردن این مدل، می‌تواند راه را بر بسیاری دیگر از اختیارات والدین بر فرزندان، اعم از دختر و پسر ببندد. اختیار والدین بر کودکان، البته آن‌گونه که در میثاق‌های حقوق بشری و کنوانسیون حقوق کودک پذیرفته شده، امری است که در صورت زیر سؤال بردن آن، می‌تواند در درجه اول به ضرر خود فرزندان تمام شود (صادق زاده میلانی، 1397).

سیاست سازمان جهانی بهداشت مبنی بر بهره‌مندی از ختنه به عنوان راهکاری برای مقابله با همه‌گیری ایدز تا سال 2030 تاکید دارد و همچنین بر اساس قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب 23 فروردین ماه 1367 آمده است:

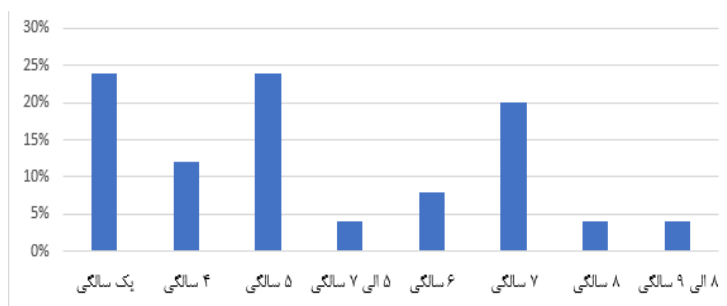
«به منظور پیشگیری از تلفات ناشی از کزاز کودکان، بانوان مکلفاند قبل از ازدواج، در مناطقی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌کند، نسبت به واکسینه کردن خود علیه بیماری کزاز اقدام کنند. دفاتر ازدواج، موظفاند قبل از ازدواج گواهینامه معتبر مبنی بر واکسیناسیون ضد کزاز از زوجه را اخذ و پس از بایگانی نسبت به انجام و ثبت عقد با ذکر مشخصات گواهی، اقدام کنند.»

حق بر بیماری بسته به نوع بیماری، میزان همه‌گیری، سطح بهداشت محل اقامت، هزینه‌های درمان و پیامدهایی که می‌تواند در پی داشته باشد، محدود می‌گردد. در نتیجه شاید بتوان بسته به کارکردهای ختنه در پیشگیری از وقوع برخی از بیماری‌ها علی‌الخصوص بیماری‌های همه‌گیری چون ایدز و در مناطق کمتر توسعه‌یافته مانند آفریقا رویکردی متفاوت پیشه کرد کما اینکه در ذیل داروهای حیاتی نیز این امر وجود دارد که در برخی مناطق بسته به شیوع بیماری‌های خاص شمار این داروها می‌تواند فزونی یابد.

9- برخی یافته‌های حاصل از مطالعه میدانی

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش^{۱۶} (1400) که به روش کیفی و بر اساس مصاحبه هدفمند در میان تعدادی از ایرانیان ختنه شده ساکن داخل و یا خارج از کشور انجام شده است حدود 60 درصد افراد مورد مطالعه در سنین 5 یا کمتر از آن ختنه شده بودند. نمودار زیر توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه را بر حسب سن ختنه شدن نشان می‌دهد.

نمودار(2) سن مردان ایرانی در زمان ختنه در بین جامعه تحقیق سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰

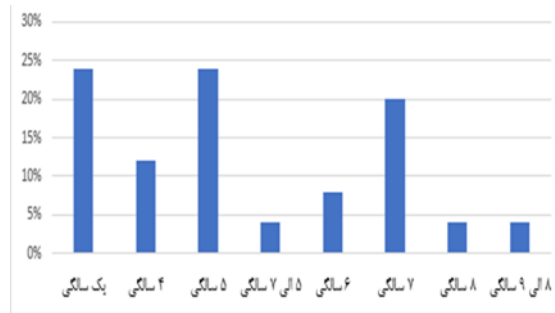


بر اساس یافته‌های حاصل از پاسخ افراد به سوال «کجا ختنه شده اید؟» مشخص می‌شود که 36 درصد آنها در بیمارستان، 24 درصد در منزل، 20 درصد در مطب‌های خصوصی پزشکان، 8 درصد در کلینیک‌ها، 4 درصد در درمانگاه‌ها و حدود 8 درصد هم در مکانهای نامشخص ختنه شده بودند.

نمودار شماره (3) سن ختنه فرزندان افراد مورد مطالعه در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400^{۱۷}

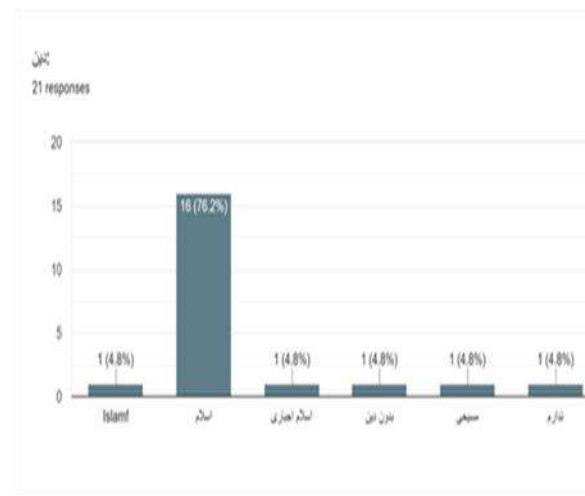
16 احمدی، کامیل. 1400. ختنه مردان: انگاره ای در حال تغییر.

17 - این سوال فقط از افراد موافق ختنه و آنهایی که فرزند پسر داشته اند؛ پرسیده شده است.

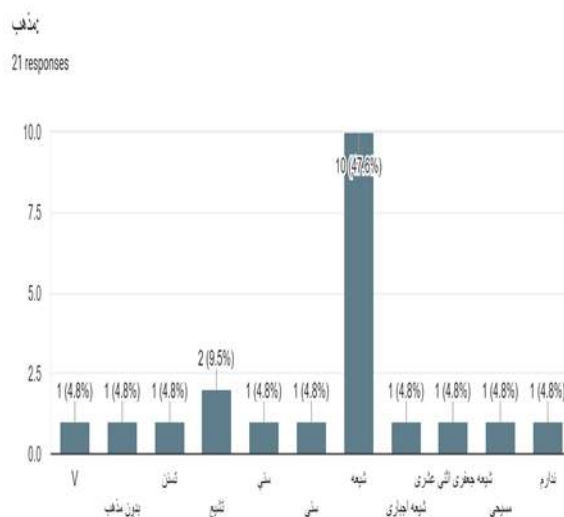


سن ختنه فرزندان پسر بر اساس یافته های پژوهش بدین قرار بود: حدود 50 درصد کل افرادی که فرزندان خود را ختنه کرده بودند این عمل را در سن شش ماهگی یا کمتر از شش ماهگی روی فرزند خود انجام داده بودند.

نمودار (4) فراوانی ختنه مردان برحسب دین در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



نمودار (5) فراوانی ختنه مردان برحسب مذهب در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



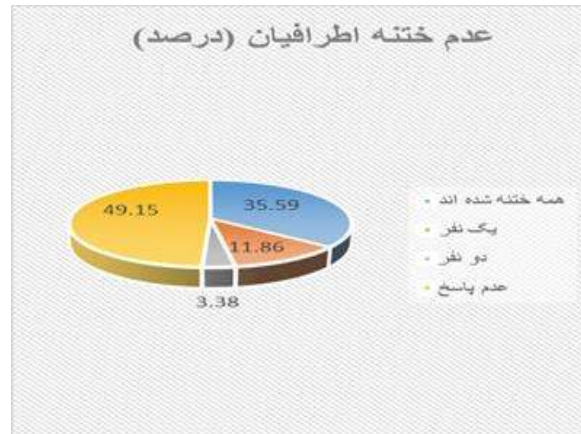
در این پژوهش همچنین از افراد مورد مطالعه سوال شده بود که «آیا با ختنه موافق هستید؟». بر اساس نتایج به دست آمده حدود **80 درصد** پاسخگویان موافق انجام عمل ختنه بودند.

نمودار شماره (6) درصد فراوانی موافقان و مخالفان ختنه مردان در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش فقط 50 درصد پاسخگویان اظهار کرده بودند که فرزند خود را ختنه کرده اند و حدود نیمی از آنها این عمل را روی فرزندان خود انجام نداده بودند. اما حدود 55 درصد همین افراد وقتی از آنها سوال شده بود آیا قصد دارید فرزندان را ختنه کنید پاسخ شان مثبت و حدود 45 درصد آنها پاسخ شان منفی بود.

نمودار (7) درصد فراوانی عدم ختنه اطرافیان در بین جامعه مورد تحقیق سال 1400



از میان تمامی مصاحبه شوندگان این پژوهش تنها یک نفر اظهار کرده بود کسی را می شناسد که ختنه نکرده است.

10- نتیجه گیری

ختنه به عنوان یکی از قدیمی ترین عمل های جراحی در جهان، سنتی است که در مصر باستان ریشه داشته و با ظهور ادیان ابراهیمی به دین نیز وارد شده است. پیروان یهود این عمل را به عنوان نشانه ای برای ورود فرد به دین یهود قلمداد می کردند و پیروان دین اسلام نیز با وجود اینکه در قرآن هیچ اشاره مستقیمی به ختنه نشده با استناد به روایات و احادیث، این سنت را از طریق الگوبرداری از دین یهود ادامه داده اند اما نکته قابل توجه و مهم این است که برخی پیروان دین یهود ختنه را الزامی نمی دانند و اغلب مراجع دین اسلام نیز ختنه را تکلیفی بر عهده فرد می دانند و نه والدین او، علاوه بر این در استفتائات صورت گرفته نیز مراجع متعددی بر امکان به تعویق انداختن این عمل تا زمان بلوغ و به طور کل تا پایان عمر فرد نیز تاکید دارند. اتکا به این قبیل مسائل مهم و آگاهی بخشی به والدین دین باور مبنی بر این که الزامی به ختنه فرزند خود ندارند و می توانند این اختیار را برای فرزند خود قائل باشند که در بزرگسالی دست به انتخاب بزند، می تواند گام مهمی در جهت رعایت حقوق انسانی و قوانین بین المللی با رعایت اصول دینی و به رسمیت شناختن حق آزادی و انتخاب دین برای کودک بشمار آید. اعضای جنسی بدن کودک، متعلق به او هستند و ختنه کودک بدون انتخاب و اختیار او برخلاف ماده 16 کنوانسیون حقوق کودک است که کشورهای جهان از جمله ایران تعهد داده اند به آن پایبند باشد. اتکا به اسناد بین المللی مثل پیمان نامه جهانی حقوق کودک و استفاده از ظرفیت های موجود در قوانین داخلی مثل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می تواند موانع سنتی و مذهبی پیش روی این عمل را از راه برداشته یا تعدیل کند و حدود خشونت علیه کودکان و آسیب رسانی به آنها را در ابعاد وسیع تری تقلیل دهد.

فارغ از کارکردهای دینی مترتب بر انجام عمل ختنه دلایل دیگری نیز به استمرار حیات این عمل دامن می زند از جمله: کارکردهای بهداشتی و پزشکی و زیبایی شناسی ختنه، کارکردهای اجتماعی و کارکردهای اقتصادی. در حوزه کارکردهای بهداشتی و پزشکی ختنه می توان به نقش این عمل در جلوگیری از ابتلا به مواردی همچون

ایدز، سرطان آلت تناسلی و عفونت های ادراری اشاره کرد. در توضیح کارکردهای اجتماعی می توان از پذیرش دینی و قومی ، هویت بخشی جنسیتی به مردان و پدرسالاری و حفظ منافع مردان اشاره داشت و در توضیح کارکردهای اقتصادی می توان از بازار ختنه گری به مثابه یک شغل و همچنین دلایل تجاری و مافیای پزشکی منتفع از ختنه همچون اعمال جراحی زیبایی بر روی آلت تناسلی یاد کرد.

هرگونه تغییر و اصلاح قوانین کشور با هدف کاهش این آسیب ها، گامی روبه جلو است. قانون اگرچه به تنهایی نمی تواند موثر واقع شود اما به خاطر ماهیت فرهنگ ساز بودنش می تواند در بلندمدت اثربخشی مطلوبی داشته باشد و جامعه را در مسیر انسانی تری قرار دهد.

همانگونه که نتایج پژوهش حاکی است عمل ختنه در جوامعی در حال تداوم است که هم سنت ها از قدرت بی بدیلی برخوردار هستند و هم استیلای دین در آن ها وجود دارد، بستری که دین و سنت در اختیار ذینفعان ختنه قرار داده؛ باعث شده آگاهی عمومی نسبت به آن گسترش نیافته و پیامدها و عوارض آن تحریف شده یا افشا نشود. در واقع جریان آزاد اطلاعات شکل نگرفته و جامعه با موجی از تبلیغات وسیع درباره نکات صرفا مثبت ختنه مواجه است اما درباره نکات منفی آن کمتر اطلاع رسانی می شود. تغییر و اصلاح نگرش در چنین جامعه ای که صدای موافقان ختنه و ذینفعان آن به مراتب بلندتر از مخالفان است، بسیار سخت و بسی طولانی است. در این راه نقش و سهم کنشگران، سازمان های مردم نهاد و جامعه مدنی اهمیت بسیاری دارد. آن ها باید برای شکستن تابوهایی که مستقیما حقوق کودکان را نشانه گرفته است تلاش کنند، مطالبه گری آن ها از نهادهای مسئول، دولتمردان و قانون گذاران می تواند به تصویب قوانین حمایت گرانه از کودکان و نیز چرخش آزاد اطلاعات در جامعه یاری رساند.

11- برنامه های عملیاتی برای مبارزه و کاهش آسیب های ناشی از ختنه مردان

1- تجربه موفق مبارزه با ختنه زنان درباره ختنه پسران نیز می تواند الگوبرداری شده و سازمان های مدنی و مدافعان حقوق زنان و سایر فعالان اجتماعی می توانند در کنار مبارزه با ختنه زنان، درباره ختنه پسران نیز روشنگری کرده و آن را مورد تمرکز قرار دهند. نخستین گام هم می تواند روز ششم فوریه هر سال باشد که به عنوان روز جهانی مبارزه با ختنه زنان نام گرفته و فعالان مدنی و حقوق زنان می توانند این روز را به روز جهانی مبارزه با ختنه تغییر دهند و به طور موازی با هرگونه ناقص سازی درباره پسران و دختران مبارزه کنند یا کمپین ها و کارزارهایی در مبارزه با این عمل به راه اندازند .

2- وزارت بهداشت به عنوان ارگان رسمی بهداشت و درمان در کشور همچون دیگر کشورها وظیفه دارد تا مادامی که موضع گیری رسمی از سوی نهادهای بین المللی و عالی ترین مقام قضایی کشور مبنی بر ممنوعیت و یا عدم ممنوعیت این عمل اتخاذ نشده است در بخشنامه ها و دستورالعمل های مرتبط با ختنه دیدگاه های مختلف اعم از موافق و مخالف را لحاظ کند. جاهتی که وزارت بهداشت به شکل رسمی به این عمل داده و مجوزهایی که برای تاسیس مراکز و کلینیک های ختنه صادر می کند نشان می دهد که چرخش آزاد اطلاعات وجود ندارد.

سیاست‌گذاری وزارتخانه‌ای باید به سمت و سویی باشد که عموم مردم دسترسی کامل و جامع به اطلاعات صحیح و صادق پزشکی پیدا کنند و با علم به این اطلاعات جامع درباره ختنه فرزندان خود تصمیم بگیرند. کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند پیگیر این مطالبه از وزارت بهداشت باشد.

3- سازمان بهزیستی به‌عنوان متولی اصلی حمایت از حقوق کودکان در کشور باید با رعایت استانداردهای جهانی سلامت که دربرگیرنده توأمان سلامت روح و جسم است، علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای و سلامت به والدین به این موضوع از جنبه‌های دفاع از حقوق کودکان ورود پیدا کند و مطابق با نظریات متخصصان و کارشناسان برای کاهش آسیب‌ها و عوارض ختنه راهکار ارائه دهد. انتشار اطلاعات به روز و جامع درباره ختنه و حقوق کودکان و تلاش برای روشنگری عمومی می‌تواند در ردیف وظایف این نهاد تعریف شود.

4- انجمن‌های علمی و دانشگاهی وظیفه دارند این موضوع را مورد توجه قرار داده و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار دهند، یافته‌های مطالعاتی آن‌ها از آنجاکه برگرفته از مستندات علمی و تحقیقی است می‌تواند به‌عنوان منشور اجرایی در اختیار قانون‌گذاران و دولتمردان قرار بگیرد. برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و تدوین مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی با موضوع ختنه از نظرگاه‌های پزشکی، روانشناسی، اجتماعی و حقوقی از جمله اقداماتی است که می‌تواند انجام گیرد و جامعه را برای مواجهه علمی با این موضوع به دور از هرگونه تعصب آماده کند.

5- کنشگران اجتماعی و فعالان حقوق کودک باید به نقش تاثیرگذار خود در آگاهی بخشی و روشنگری عموم جامعه توجه ویژه داشته باشند و با علم به اینکه گاهی قوانین، حتی در صورت پیشگیرانه و بازدارنده بودن، عقب‌تر از جامعه هستند باید به میدان آمده و با بیرون آوردن این موضوع از پستو، راه را برای گفت‌وگو درباره آن باز کنند.

Social functions of male/boy circumcision in the world and Iran

Sociological exploration of circumcision from a cultural and religious point of view

Abstract

Researchers consider the geographical origin of circumcision to be around the Nile River in ancient Egypt and its time more than two thousand years ago. In addition to religious beliefs, which, as the main factor, plays an essential role in the prevalence of circumcision, geographical and regional characteristics and international relations should not be ignored in the stabilization and expansion of this issue. In the texts, documents and ancient works of Iran, there is a sign that women and men are circumcised; Does not exist. Therefore, it is clear from the

available evidence that before the advent of Islam, circumcision was not performed in Iran and this tradition became popular with the arrival of Islam in Iran. In traditional societies, performing an operation on a private part of a child's body is performed along with a special ritual to enter the adult stage, but in contemporary society, every person under the age of 18 is considered a child, and any change in his body without the involvement and permission of the child is not only a violation of rights. It is a child, but it is also anti-educational in nature. Male circumcision, as an issue related to children and children's rights, is directly related to harmful social culture and traditions, which for various religious and cultural reasons is considered less harmful, therefore it has received little attention from scientific and research fields. This article tried to analyze and understand the historical, traditional, religious and health contexts of circumcision of boys/men with a corrective and awareness-raising approach in order to enlighten the present and future generations by showing the many dimensions of this phenomenon focusing on the rights of the child. This action should inform so that human capitals and future makers of the society do not get caught in the maze of blind cultural traditions and false propaganda of the economic mafia and the hegemony of religion. For this purpose, apart from documentary and library studies and using field research with a qualitative approach to evaluate the experiences of participants based on targeted interviews among a number of circumcised Iranians living inside and outside the country, as well as interviews with some experts and scientific experts. paid . The result of this is that in Islam and Judaism, circumcision has found an obligatory and shari'a position among its followers. Historically, male circumcision has also been associated with religious practices and ethnic identity. Apart from the religious pressures associated with performing circumcision, there are other reasons that encourage the continuation of this practice, such as: health and medical and aesthetic functions, social functions and economic functions.

Keywords: male/boy circumcision, social function, culture and religion, sociological approach, Iran and the world

فهرست منابع

1. آزاد، حسن، (1377)، گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران: پشت پرده‌های حرمسرا، ناشر: انزلی.

2. اکرلاف، جرج؛ کرانتون، راشل (1395)، اقتصاد هویت، ترجمه مهدی فیضی، انتشارات نگاه معاصر.
3. اصلانی، سیاوش (1397)، حق بر سلامت: تاثیر موازین بین المللی در حق بر سلامت به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در حقوق عمومی ایران، انتشارات آیدین.
4. احمدی، کامیل و همکاران (۲۰۲۲). تیغ سنت به نام مذهب. کنکاشی پدیدارشناختی در باره ختنه پسران / مردان در ایران. دانمارک: نشر آوای بوف.
5. احمدی، کامیل (1394)، به نام سنت: پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، نشر شیرازه.
6. احمدی، کامیل (1394)، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان و دختران در ایران/ نشر شیرازه.
7. اربابی، امیرهوشنگ (1379)، ختنه نوزادان با پلاستی بل، مزایا و عوارض آن: بررسی هفت ساله در زایشگاه شهید اکبر آبادی تهران، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، سال هفتم، شماره 21.
8. اسلامی، رضا؛ آجلی لاهیجی، مهشید، (1394)، چالش‌های توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، با تاکید بر حق بر آموزش، حق بر بهداشت و رفع فقر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره 74.
9. بیتس، دانیل، (1385)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
10. پارسا فرزاد، ریوار، یوسف پناه. 1391. بررسی حکم ختنه در فقه مذاهب اربعه اهل سنت. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه کردستان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی
11. پراکند، مهناز، (2018) تسلط شرعی پدر مانع تقویت قوانین ضد ختنه در ایران، مجله حقوق ما.
12. توحیدی، ابوحیان، (1964)، البصائر و الذخائر، دمشق.
13. دانش پژوه، محمد تقی. (1325)، مجله جلوه آبان و آذر. شماره 15 و 16.
14. درگاهی، مهدی (1395)، واکاوی محدوده و قلمرو "قاعده سلطنت" نسبت به سلطه انسان بر اعضای بدن، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و اصول، سال 48، شماره پیاپی 105، صفحه 45-64.
15. ذکائی، محمدسعید، (1387)، جامعه شناسی جوانان ایران، تهران، انتشارات آگه.
15. رید، اتولین، (1363)، انسان در عصر توحش، ترجمه محمود عنایت، تهران: هاشمی.
16. روح الامین، محمود، (1364)، انسان شناسی، تهران: زمان.
17. رئیسی، حسین، (1396)، بدن من حق من: درآمدی بر حق مالکیت بر بدن، ماهنامه خط صلح.
18. سعیدی، محمد حسن، (1390)، رسم ختان، نشریه نامه انسان شناسی، پیاپی 13، 57-70.

19. صفایی، سهیلا و عباسی، محمود و محقق داماد، مصطفی، (1393)، بررسی اصل احترام به خودمختاری در منابع فقهی، چهارمین همایش ملی اخلاق و آداب زندگی، زنجان،
20. طباطبایی، سید محمد حسین (1386)، ترجمه تفسیر المیزان (جلد پنجم)، ترجمه حجه الاسلام والمسلمین سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی.
21. فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم، (1389)، "گفتمان جامعه شناسی بدن"، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره دو،
22. فروید، زیگموند، (1348)، موسی و یکتاپرستی، ترجمه قاسم خاتمی، نشر جامی.
23. فرزانه، حمیده، (1387)، زنان و فرهنگ بدن: زمینه های انتخاب جراحی های زیبایی در زنان تهرانی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 4 سال یازدهم، ص 45-61.
24. فلور، ویلم (2010)، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ترجمه محسن مینو خرد، نشر اینترنتی.
25. قشیری نیشابوری، ابوالحسین، مسلم بن حجاج بن مسلم، (1412)، صحیح مسلم، قاهره: دار الحدیث.
26. کاظمی، سیمین، (1398) بدن آرمانی، مردانگی و جامعه مصرفی، سخنرانی در انجمن جامعه شناسی ایران.
27. کرمی، اکبر، (1397)، ختنه فریضه مذهبی یا نقض حقوق کودک، مصاحبه با رادیو فردا.
28. گیدنز، آنتونی، (1376)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
29. مورگان، هنری، (1371) جامعه باستان، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: پژوهشگاه.
30. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1362)، حلیۃ المتقین، تهران: بی تا.
31. محسنی، منوچهر، (1385)، جامعه شناسی بدن، تهران: طهوری.
32. نجفی، محمدحسن. (1386)، جواهر الکلام، ج 31، چاپ پنجم، ناشر اسلامیة .
33. یوسفی اشکوری، حسن، (1397) ختنه پسران و حقوق کودک مجله حقوق ما، شماره ۷۸.
34. قرآن
35. تورات
36. اعلامیه جهانی حقوق بشر

37. سازمان بهداشت جهانی

38. مراسم ختنه، موجود در: تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۳/۳۰

<https://www.bbc.co.uk/religion/religions/judaism/jewish>

39.BBC

40.Lukobo M, Bailey RC. Acceptability of male circumcision for prevention of HIV infection in Zambia. *AIDS Care*, 2007, 19(4):471–477.

41.Mattson CL et al. Acceptability of male circumcision and predictors of circumcision preference among men and women in Nyanza Province, Kenya. *AIDS Care*, 2005, 17(2):182–194.

42.Goldman, Ronald,(2016), *Circumcision: The Hidden Trauma*, Jewish Circumcision.